

چگونه او داماد پیامبر شد؟

ازدواج علی (ع) با دختر گرامی
پیامبر (ص) مسأله ساده‌ای نبود،
موج عظیمی بود که در اطراف خود تا
ابعاد زیاد، امواج دیگری ترسیم
کرد.



این نوع مفاسد بر کسی پوشیده نیست، و یا اینکه قید ازدواج را بزنند و غریزه جنسی را سرکوب سازند و این کار نیز انحراف از مسیر زندگی صحیح و طبیعی می‌باشد، و مفاسد روحی و جسمی روشنی دارد و محیط زندگی برای چنین افراد، آنچنان تاریک و وحشتناک و تلخ می‌گردد که احساس می‌کنند که در زندانی دردناک، بسر می‌برند.

قرآن مجید هدف از آفرینش همسر را سکونت و آرامش زوجین معرفی می‌کند آنجا که می‌فرماید:

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا (روم-۲۱)

«خداوند از جنس خودتان برای شما همسرانی آفرید تا در سایه آنها آرام بگیرید» ناگفته پیداست

تمايلات جنسی و گرایش به ازدواج و همسرگزینی، برای هر فرد انسانی، يك امر فطری و طبیعی است. و دستگاه آفرینش آنرا در نهاد هر بشری، به ودیعت نهاده است. غریزه جنسی از نخستین روز تولد کودک، با او همراه است و در دوران کودکی به صورت يك غریزه خاموش و پنهان می‌باشد، و در فصل بلوغ همراه با بیداری غرائز دیگر؛ بیدار می‌شود.

یگانه راه برای سالم زیستن این است که هر انسانی به تمام غرائز و خواسته‌های طبیعی خود، پاسخ مثبت بگوید. کسانی که روی يك رشته اوهام و پندارهای، از همسرگزینی سرباز می‌زنند، یا باید از راههای نامشروع، غریزه جنسی را اوضاع‌کنند که موجب مفاسد اخلاقی و اجتماعی است و ضرر

و در دور افتاده ترین مناطق، کنار یکدیگر باشند، احساس غربت نمی کنند و اگر دور از هم زندگی کنند خود را غریب و ناآرام احساس می کنند هرچند از نظر زندگی مرفه باشند.

در ازدواج، نه تنها باید سکونت و آرامش در برابر طوفان شهوت را در نظر گرفت، بلکه باید مرحله دوم را که مرحله زندگی و انس فکری و الفت اخلاقی و توافق روحی است از نظر دور نداشت. و با یک محاسبه دقیق روشن کرد که آیا زندگی با این همسر امکان پذیر هست یا نه؟ و پس از سپری شدن نخستین مرحله، الفت و انس و توافق اخلاقی و روحی بر زندگی زوجین سایه خواهد افکند یا نه؟ و تشخیص این نوع سکونت و آرامش برای جوان ساده لوح و بی تجربه بسیار مشکل و پیچیده است.

* * *

علی (ع) جوانی است بایده کشتی زندگی خود در بحران جوانی، سکونت و آرامش بخشد، او هرگز در همسرگزینی به یک آرامش نسبی و موقت اکتفاء نکرده و آفاق دیگری را در زندگی از نظر دور نمی دارد، از این نظر بدنبال همسری است که از نظر ایمان و تقوی، دانش و بینش، نجابت و اصالت، «کنو» و هم شأن او باشد و چنین همسری در مدینه جز دختر رسول خدا فاطمه زهرا (ع) که به همه خصوصیات زندگی او از لحظه تولد تا آن لحظه کاملاً آشنا بود کسی دیگری نیست.

علی تصمیم می گیرد که خود شخصاً از فاطمه خواستگاری کند و موضوع را با پدر و الامقام او

که ازدواج سایه آرامش جوان، و نجات او از طوفانهای سهمگین دوران جوانی و بحران شهوت است، و جوان بی همسر در هر لحظه به سویی متوجه می گردد، و بسان مرغ بی لانه ای است که برای گردآوری دانه، هوس می کند که در هر لحظه روی شاخه ای بنشیند و یاد نقطه ای از زمین قرار گیرد، و هنوز در آن نقطه درست ثبات نیافته، به نقطه دیگری پرواز می کند.

جوان بی همسر چون با کسی تعهد و پیمان زندگی نبسته است، در هیچ نقطه ای قرار نمی گیرد، در هر لحظه به فکر جایی و به فکر کسی می افتد، و سرانجام آرامش را که پایه سعادت است از دست می دهد، گذشته از این همواره از ناحیه غریزه شهوت در سوز و تساب بسر می برد و افکار او دستخوش اضطراب و پراکندگی میگردد.

ولی آیا ازدواج، فقط در برابر دیو شهوت و طوفان غریزه جنسی، سکونت و آرامش می بخشد یا اینکه دایره آرامش از این هم گسترده تر می باشد؟ جوان در آغاز جوانی که جز کام گیری و لذت مادی و جمال و زیبائی، آرامش دیگری تصور نمی کند، طبعاً از سکونت و آرامش جز مهار کردن شعله های علاقه جنسی، ورام و آرام ساختن نفس، چیز دیگری به فکر او خطور نمی کند، ولی این موضوع پس از گذشتن زمان به سکونت دیگری که مایه بقا میبوند ازدواج است تبدیل می گردد، در این دوره زن و مرد به روحیات یکدیگر آشنا شده و افکار و سلیقه آنها بهم نزدیک می گردد، انس و الفت به حدی میرسد که اگر در سخت ترین لحظات زندگی

است، این جمله را گفت و دست از کار کشید و راه خانه پیامبر را که در آن وقت نزد «ام سلمه» بسر می برد، پیش گرفت. علی در خانه پیامبر را زد و پیش از آنکه «ام سلمه» برخیزد در خانه را باز کند. پیامبر فوراً فرمود برخیز در را باز کن این مرد کسی است که خدا و رسول وی او را دوست می دارد، او برادر و پسر عم من و محبوب ترین مردم نسبت به من است ام سلمه می گوید شوق شناسائی این شخص که پیامبر او را ستود، آنچنان بر من مستولی گردید که وقتی برخاستم در را باز کنم نزدیک بود پام بلغزد، من در را باز کردم علی وارد شد و در محضر پیامبر گرامی نشست، اما حیا و شرم و عظمت محضر پیامبر گرامی مانع از آن بود که سخن بگوید، از این جهت سر به زیر افکند و سکوت بر مجلس حکومت می کرد، تا اینکه پیامبر سکوت مجلس را شکست و گفت: گویا برای کاری آمده ای. علی در پاسخ گفت: پیوند خویشاوندی من با خاندان رسالت و ثبات و پایداری من در راه دین و جهاد و کوشش در پیشبرد اسلام، برای شما روشن است پیامبر فرمود: تو از آنچه که می گوئی بالاتر هستی، در این صورت علی گفت آیا اصلاح میدانید که فاطمه را در هفتمین در آورید؟ (۱) علی در طرح پیشنهاد خود روی همان تقوی و سوابق درخشان خود در اسلام تکیه میکند و از این طریق به جامعه ی انسانی تعلیم می دهد که: ملاک برتری این است، نه جمال و زیبایی و ثروت و منصب.

(۱) علی در موضوع خواستگاری از یک سنت زنده پیروی می کند در حالی که در هاله ای از حیا قرار گرفته شخصاً بدون اینکه واسطه ای بفرماید اقدام به خواستگاری می کند، و این خود یک نوع شجاعت روحی توأم با عفاف شایان تقدیر است.

حضرت رسول اکرم (ص) که ولی او است در میان بگذارد، اینک انگیزه و گزارش خواستگاری علی (ع).

گزارش خواستگاران زهرا (ع) :

پیش از علی افرادی مانند ابی بکر، و عمر آمادگی خود را برای ازدواج با دختر پیامبر اعلام نموده بودند، و هر دو نفر از پیامبر يك پاسخ شنیده بودند و آن اینکه در باره ازدواج زهرا، منتظر وحی الهی است تا خدا چه بخواهد؟.

آنها که از ازدواج با زهرا نومید بودند، با «سعد مَعَاذُ» رئیس قبیله «اَوْس» به گفتگو پرداختند، و آگاهانه دریافتند که جز علی کسی شایستگی ازدواج با زهرا را ندارد، و نظر پیامبر نیز به غیر او نیست، از این جهت دست جمعی بدنبال علی رفتند، ولی علی را در منزل نیافتند سرانجام او را در باغ یکی از انصار دیدند که با شتر خود مشغول آبیاری نخلها است. آنان روی به علی کردند و گفتند: اشراف قریش از دختر پیامبر خواستگاری کرده اند، پیامبر در پاسخ آنان گفته است که کار زهرا منوط به اذن خداست و ما امیدواریم که اگر تو (با سوابق درخشان و فضائل اخلاقی که داری) خواستگاری نمائی پاسخ موافق بشنوی و اگر از نظر قدرت مالی ضعیف و ناتوان باشی ما حاضریم تو را یاری کنیم.

در این لحظه، دیدگان علی در اشک شوق فرو رفت و گفت: دختر پیامبر مورد میل و علاقه من

و کوچکترین ناراحتی در چهره او ظاهر نگشت . پیامبر از جای خود برخاست و می فرمود **اللَّهُ أَكْبَرُ سَكُوتُهَا أَقْرَبُهَا** (خدا بزرگ است سکوت دخترم نشانه رضای او است) (۱)

همشأن روحی و فکری و اخلاقی :

درست است که در آئین اسلام هر مرد مسلمان کفو و همشأن مسلمان دیگری است ، و هر زن مسلمان که در عقد مرد مسلمان در آید با همشأن خود پیمان زناشویی بسته است ، ولی اگر کفو و همشأن روحی و فکری را در نظر بگیریم بسیاری از زنان همشأن همسران جامعه ما نیستند ، بالعکس ، مردان مسلمان شریف و اصیل که دارای ملکات عالی انسانی و سجایای اخلاقی و دانش و بینش وسیع گسترده هستند ، باید با زنانی پیمان زناشویی ببندند که از نظر روحیات و ارزشهای اخلاقی بسان یا مشابه او باشند . عین این مطلب نیز درباره زنان پاکدامن و پرهیزگار که از فضائل اخلاقی و روحیات پاک ، و اندیشه و بینش بلند برخوردارند ، حکمفرما است ، هدف از ازدواج که همان سکونت و آرامش خاطر در طول زندگی است ، جز با رعایت این نکته تأمین نمی گردد و تا یک نوع مشابهت اخلاقی و محاکات روحی ، و کشش و جذب روانی ، بر محیط زناشویی سایه نیافکند ، غالباً پیوند زندگی از هم گسسته می گردد ، از این جهت در موقع ازدواج علاوه بر کفو شرعی باید کفو اخلاقی و روحی را نیز در نظر گرفت .

روی این بیان حقیقت خطاب الهی به پیامبر گرامی برای ماروشن می گردد :

پیامبر اسلام از اصل دمکراسی و آزادی زندر انتخاب همسر استفاده کرده و در پاسخ علی فرمود : پیش از شما افراد دیگری از دخترم خواستگاری کرده اند ، و من درخواست آنان را با دخترم در میان نهاده ام ولی در چهره او نسبت به آن افراد بی میلی شدید احساس کرده ام ، و جریان شما را با او در میان می گذارم ، سپس نتیجه را به شما اطلاع می دهم .

آزادی زن در انتخاب همسر ، یکی از قوانین درخشان اسلام است و هیچ گاه پدر نمی تواند بدون جلب رضایت دختر ، او را به عقد دیگری در آورد . و اگر اسلام ازدواج « باکره » را منوط به اذن پدر دانسته است برای این است که دختر خردسال و بی تجربه ، گرمی و سردی روزگار را نچشیده است ، طبعاً باید در این کار مشاور و راهنمایی مانند پدر که همواره خبیر خواه دختر خود است داشته باشد . پیامبر وارد خانه زهرا شده و او برخاست و رداء از دوش پیامبر برداشت و کفش های او را از پا در آورد و پاهای پیامبر را شست و سپس وضو ساخت و در محضر او نشست ، پیامبر سخن خود را با دختر خود چنین آغاز نمود :

علی فرزند ابوطالب از کسانی است که فضیلت و مقام او در اسلام برای ماروشن است و من از خدا خواسته بودم که تو را به عقد بهترین مخلوق خود در آوردم . و اکنون به خواستگاری تو آمده ام ، در این باره چه می گوئی ؟ این هنگام زهرا در سکوت عمیقی فرو رفت و چهره خود را از پیامبر برنگردانید

«كَوْلَمْ أَخْلَقْ عَلِيًّا ، ثَمَّا كَانَ لِفَاطِمَةَ
 ابْنَتِكَ كَفْوًا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ» (۱) : اگر
 علی را نمی آفریدم، هرگز برای دختر تو فاطمه در روی
 زمین همشانی نبود. به طور مسلم مقصود از این کفو،
 همشان مقامی و روحی است.

اگر علی، از ایمان استوار و تقوی و پرهیزگاری
 و عصمت و امامت برخوردار بود فاطمه نیز بسان او
 پارسا و پرهیزگار و معصوم و هم مقام او بود.

هزینه عقد و عروسی :

ثروت امام در آن روز منحصر به زهری بود که
 می توانست به وسیله آن در راه خدا جهاد کند، و
 شمشیری داشت که با آن از حریم اسلام دفاع می-
 نمود، و مالک شتری بود که با آن در باغستانهای
 مدینه کار می کرد و خود را از میهمانی انصاری نیاز
 می ساخت.

دوران خواستگاری و مراسم عقد زهرا به پایان
 رسید، اکنون موقع آن رسیده است که علی برای
 همسرگرمی خود اثاثیه ای تهیه کند و زندگی مشترک
 خود را با دختر پیامبر آغاز کند. پیامبر تصویب کرد
 که علی «زهره» خود را بفروشد و به عنوان جزئی
 از مهریه فاطمه در اختیار پیامبر بگذارد. زهره سه
 چهار صد درهم بفروش رفت. پیامبر قدری از آن رادر
 اختیار بلال گذارد که برای زهرا عطری بخرد و باقیمانده
 را به عمار یا سرگروهی از یاران خود داد که برای
 دختری اثاث خانه و لوازم منزل تهیه کنند. از

صورت خریدن جهیزه زهرا می توان از وضع زندگی
 زهرا ملکه اسلام به خوبی آگاه شد، فرستادگان
 پیامبر از بازار بادست پر، بازگشتند اما آنچه برای
 زهرا تهیه کرده بودند به فرار زیر بود :

- ۱ - پیراهنی به بهاء هفت درهم ۲ - روسری
- به بهاء يك درهم ۳ - قطیغه مشکی که تمام بدن را
- نمی پوشانید ۴ - يك تخت عربی از چوب ولیف
- خرما ۵ - دوتشک از کتان مصری که یکی بشمی و
- دیگری از لیف خرما بود ۶ - چهار بالش : دوتای
- آن از پشم و دوتای دیگر از لیف خرما ۷ - پرده ۸ -
- حصیر هجری ۹ - دست آس ۱۰ - طشت بزرگی
- ۱۱ - مشگی از پوست ۱۲ - کاسه چوبی برای
- شیر ۱۳ - ظرفی از پوست برای آب ۱۴ - آفتابه
- ۱۵ - ظرف بزرگ مسی ۱۶ - کوزه های متعدد
- ۱۷ - بازوبندی از نقره .

یاران پیامبر که از خرید بازگشتند، همه رابسر
 پیامبر عرضه کردند، پیامبر در حالی که اثاث خانه
 دختر خود را زیر و روی کرد فرمود : **اللَّهُمَّ بَارِكْ**
لِقَوْمٍ جَلَّ أَسْمَائِهِمُ الْخَرْقُ : خداوند زندگی را
 بر آن گروهی مبارک بنما که بیشتر ظروف آنها را
 سفال تشکیل می دهد (۲) طبق نوشته کشف الغمه
 همه این اثاث به ۶۳ درهم خریداری شده بود .

مهریه زهرا :

بالاتر از همه مهریه دختر پیامبر است . که همان
 پانصد درهم می باشد و هر درهم يك مثقال نقره بود

بقیه در صفحه ۵۲

(۱) بحار الانوار ج ۴۳ ص ۹۲.

(۲) کشف الغمه ج ۱ ص ۳۵۹ ، بحار الانوار ج ۴۳ ص ۹۲

در همه جا

آسمان همین رنگ بود!!

در اروپا علم منقرض شده بود تا جایی که اسقف گر- گوری استفاده از طب را در بیمارها همانند گناه تقبیح می کرد!

نهج البلاغه آنرا ترسیم می کند: «... فتنه سراسر گیتی را فرا گرفته، پیوندهای امورا هم گسیخته و آتش جنگ از هر سو زبانه می کشید، دنیا نور و روشنائی را از دست داده و در ظلمت و تاریکی عجیبی فرو رفته، غرور و نادردستی عالمگیر شده بود، برگهای درخت زندگی زرد و میوه‌ای بر شاخسار نداشت و نشاط و شادایی از حیات اجتماعی رخت بر بسته، آثار هدایت مندرس و علم‌های بدبختی و ردالت اذهر سو در حال اهتر از بود.

دنیا با قیافه‌ای خشمناک و چهره‌ای عبوس به روی

فقر، نابرابری؛ سلب آزادی؛ جهالت، بیعدالتی، رواج خرافات و بینشهای غلط مذهبی در جهان؛ هنگام بعثت پیامبر اکرم سراسر گیتی را برای پذیرش اسلام آماده می کرد و از عوامل پیشرفت اسلام به شمار می رفت. و این وضع؛ اختصاصی به عربستان؛ ایران، روم، آفریقا، هندوچین و ژاپن که در باره آنها بحث کردیم، نداشت و به اصطلاح «هرجا که می رفتی آسمان همین رنگ است!» فرانسه، انگلستان، آلمان، ایتالیا، روسیه و... نیز گرفتار چنین وضعی بودند، دنیا چنان بود که علی (ع) در

تحلیل رفته، قحط و بلا، نفوس را تقلیل داده بود. مسیحیت بنظر آنان وسیلهٔ پرخرجی از فرمانروائی و تسکین اندوه بود و در نبرد بربریت با دین، بربریت به مدت پنج قرن پیروز بود، قتل نفس، پدرکشی، برادرکشی، شکنجه دادن و شعله کردن، خیانت، زنا و مقاربت با محارم، از کسالت فرمانروائی می‌کاست. شاید افراط در روابط جنسی بود که موجبات عقیم شدن سلاطین «مروونزین» را فراهم ساخته بود. در این وضع مشوش، تعلیم و تربیت تقریباً رخت بر بسته بود، تا سال ۶۰۰ سواد چنان روبه زوال رفته بود که خواندن و نوشتن فقط به منزلهٔ امری تجملی خاص روحانیان شده بود، علم بکلی منقرض شده سحر و جادوها جای آنرا گرفته بود، تا جائیکه گرگوری اسقف تور در معالجهٔ امراض استعمال طب را بجای دین همچون گناه تقبیح کرده بود! (۲)

«آلبرماله» پس از شرح جنایات و گمراهیهای مردم سرزمین فرانسه در دوران حکومت خاندان «مروه» که از سال ۵۱۱ تا ۷۵۳ ادامه داشت نتیجه می‌گیرد که: «تاریخ سدهٔ ششم و هفتم پر است از فجایع و هارت و راهزنی و خونریزی، از استقرار قدرت فرانک در خاک گل، آثار و علائم وحشیگری و بربریت نمودار است.

تاریخ خاندان مروه در هر دو دوره تاریک و پر- از اغتشاش می‌باشد زیرا پس از مرگ هر پادشاه پسرانش به اقتضای عادت دیرینهٔ خود خزانه و

اهل خود نگاه می‌کرد، میوهٔ درختش فتنه و طعناش مردار بود، دلها پرازن ترس و دستها بر قبضهٔ شمشیر بود (۱)

فرانسه و کشور گل:

آن هنگام که نورپروغ اسلام داشت جهان را روشن می‌کرد، اروپا در جهالت و گمراهی و تیره روزی غرق بود، همین کشور متمدن فرانسه تا قرن‌ها در وضع اسف باری قرار داشت: حکومت استبدادی، نظام فتو دالیتسه و تبول داری، جهالت و جنایت، بیدادگری و نابرابری، جنگهای داخلی و مذهبی، افراط در شهوت رانی و سرگرم شدن به خرافات در سرزمین «گل» غوغا می‌کرد.

«ویل دورانت» در این باره چنین می‌نویسد: «و بالاخره مردم گل نتوانستند چند همسری و بهیمیت شاهان خود را تحمل کنند، خود کامگی آشکار زمامدار با قدرت اشراف حاسد محدود شد، حکومت خدمات اداری و جنگی آنان را با بخشیدن املاک به عنوان تبول پاداش می‌داد.

اشراف عملاً در تبول خود حاکم مطلق بودند و در همان اراضی بزرگ يك وضع ملوك الطوائفی ایجاد شد که سلطنت فرانسه را به مدت هزار سال تهدید می‌کرد، نظام ارباب رعیتی نضج گرفت و بردگی بر اثر جنگهای جدید؛ جانی تازه یافت، صنعت از شهر به املاک اربابی منتقل شده شهرها کوچک شدند و زیر سلطهٔ مالکان فتو دال قرار گرفتند، تجارت در اثر راهزنی و باج خواهی فتو دالها روبه

(۱) نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۶ ص ۳۸۷

(۲) تاریخ تمدن ویل دورانت ج ۱۰ ص ۱۵۶ - ۱۵۷

گاهی مستعمره روم بود و زمانی هم مورد هجوم و حمله اقوام ژرمن و آلمان ، نا آنکه در ابتدای قرن پنجم طوایفی از اقوام ژرمن که «آنگلوساکسون» نام داشتند ، به جزیره بریتانیا حمله کردند ، کار این اقوام ، راهزنی دریائی بود و به دزدان دریائی معروف بودند، گرچه ساکنان بریتانیا در مقابل هجوم این قوم وحشی به شدت مقاومت کردند اما عاقبة الامر شکست خورده طوایف نو رسیده قسمت هموار جزیره را حیطه تصرف خود درآوردند و از آن پس آن منطقه را به نام آن فاتحان «انگلستان» نامیدند. در قرن ششم هفت مملکت کوچک موسوم به ممالک هفتگانه در انگلستان وجود داشت که از دو مان آنگلو ساکسون در آن حکمرانی داشتند (۳) در این کشمکشها شهرهای بریتانیا خراب شد ، حمل و نقل مختل گردید ، صنعت به انحطاط افتاد ، قانون و نظم به سستی گرائید ؛ هنر دچار رخوت شد؛ و مسیحیت نو آغاز جزیره منکوب خدایان و ثنی و آداب مشرکان آلمانی شد، بریتانیا و زبانش توتنی شد ، قوانین و نظامات رومی زائل گردید، تشکیلات شهری رومی تبدیل به جوامع دهی شد و .. (۴) این حالت جنگ و ستیز، فساد و جنایت ، قتل و غارت ، زندگی عاری از تمدن و معنویت سالها ادامه داشت و در تمام قرون وسطی (قرن پنجم تا پانزدهم)

مملکت اورامثل دارائی شخصی فیما بین خود قسمت می کردند (۱)

یکی دیگر از مورخان ؛ درباره مشخصات قرون وسطی شرح مبسوطی می نویسد و در ضمن آنان تصریح می کند: «از عهد کلویس سرسلسله خاندان مروه (۲۸۵) تا دوران شارلمانی (۷۴۱) در سراسر مملکت فرانسه حتی يك مدرسه هم وجود نداشته تنهادر بعضی از صوامع به شاگردان درس القباء آموخته می شد و از این رو معلومات اروپا در آن عصر از حدود خواندن و نوشتن تجاوز نمی کرد ، شهر پاریس با وجودی که زیباترین بلاد اروپا به شمار می رفت، معذالك حکم زباله دانی را داشت که از کوچه های تنگ و تاریک آن مدام بوی کویسه قازورات انسانی به مشام می رسید ، در عهد فلیپ اوگوست روزی عرابه ای از وسط شهر می گذشت چون از میان گل ولای رد شد ، بوی گندی برخاست که کس را تاب تحمل آن نبود ، پادشاه که در حیات قصر خود گردش می کرد خود داری نتوانست و بی محابادست بکاری زد که اسلاف وی همواره از خرج آن بیم داشتند بدین معنی دستور داد که تمام چهارراه ها و کوچه ها را سنگ فرش کنند» (۲)

انگلستان :
کشور بریتانیا نیز در آن روزاسم رسمی نداشت

۱ - تاریخ قرون وسطی ج ۱ ص ۸۸ - ۹۸

۲ - جنگهای صلیبی ج ۱ ص ۶ - ۴۵

(۳) تاریخ قرون وسطی ج ۱ ص ۱۰۸ - ۱۰۹

(۴) تاریخ تمدن و بل دوران ج ۱۰ ص ۱۲۲

حکومت اسلامی سراسر اروپا را با همه آمادگی که داشت تسخیر کند و با آنهایی را که تصرف کرده بود حفظ نماید، اما مسلمین سالها در آنجا توقف کرده؛ زندگی نمودند.

وازسوی دیگر پس از سالها یعنی از سال ۱۳۵۳ تا ۱۲۵۳ میلادی که قسطنطنیه به دست سلطان محمد فاتح که از سلاطین معروف عثمانی است فتح گردید، مسلمین به اروپا راه یافتند و بسیاری از کشورهای اروپائی را از قبیل: بلغارستان، سرستان، آلبانی، مجارستان، یونان، و... تحت تصرف و نفوذ خود در آورده تمدن اسلامی را در آن مناطق گسترش دادند در نتیجه قاره اروپا که ۱۰،۰۵۹،۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت دارد و جمعیت آن بیش از اذهنصد میلیون نفر است (۳) سالها کم و بیش مورد حکمرانی مسلمین بوده و با آنهمه دامنهائی که دشمنان اسلام برای نابودی مسلمین گسترند و آنهمه بی-لیاقتیهای که حکام مسلمین از خود نشان دادند، هنوز هم آثار اسلامی بطور آشکار در آن مناطق به چشم می خورد و در حدود ۱۷۶،۰۰۰، ۲۳ مسلمان در ۲۵ نقطه قاره اروپا زندگی می کند و دارای مساجد و مراکز علمی و اسلامی نیز می باشند (۴)

اروپا همواره و فرانسه و انگلستان خصوصاً در تاریکی و جهالت بصری برد (۱) که بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی یکایک کشورهای اروپائی نیازمند به تألیف کتابی است و بایستی در این زمینه به تاریخ تمدنها مراجعه کرد و این کار از مقاله نویسی مادر مورد علل پیشرفت اسلام، بیرون است.

اسلام در اروپا:

با همه تعصبی که مسیحیان و ارباب کلیسا درباره آئین مسیحیت نشان می دادند و با تمام قوا می-کوشیدند که از پیشرفت اسلام جلوگیری نمایند، در عین حال این نابسامانیها و عقب افتادگیها که در اروپا رواج داشت، ایجاب می کرد که اسلام شمرده شمرده در این قاره نفوذ نماید.

هنوز بیست سال از فتح اسپانیا که در سال ۹۲ هجری واقع شده نگذشته بود؛ که ارتش نیرومند اسلام به فرماندهی «عبدالرحمن بن عبدالله غافقی» توانست از جبال «پیرنه» عبور کند و ایالات جنوب فرانسه را تصرف نماید و بردشتهای اطراف رود «رن» دست یابد و در قلب فرانسه تا نقطه دوردستی پیش رود (۲)

گرچه اختلاف و کشمکشهای داخلی اجازه نداد

(۱) برای آشنائی بیشتر با چهره کریمه اروپا مخصوصاً فرانسه و انگلستان مراجعه شود به کتابهای: تاریخ قرون وسطی تألیف آلبرماله - جنگهای صلیبی - تاریخ تمدن ویل دورانت - اسلام و حقوق بشر.

(۲) صحنه های تکان دهنده در تاریخ اسلام ص ۵۲

(۳) جغرافیای کامل جهان ص ۵۱۳

(۴) برای اطلاعات بیشتر در این باره مراجعه شود به کتابهای: مسلمین جهان - نگاهی به تاریخ جهان

ج ۱ - تاریخ فتوحات اسلامی در اروپا - تاریخ تمدن اسلام و عرب - صحنه های تکان دهنده در تاریخ اسلام - جغرافیای کامل جهان.

ابوذر و تهمت مزدکی گری!

مورخانانی که در خدمت خلفای جبار بودند، خواسته اند نهضت ابوذر و پیام او را مسخ کنند و شکنجه‌هایی را که به او دادند، قانونی جلوه دهند و به روی یکی از جنایات بزرگ بنی‌امیه پرده بکشند. لذا ابوذر را متهم می‌کنند که افکار خود را از غیر مسلمان موهومی بنام «عبدالله بن سبا» گرفته است! ...

پشت و پهلو و رویشان داغ خواهد شد» (۱)

فقرا بر اثر تحریک او، شورش کردند و سرمایه داران را به تقسیم‌داری و ادار نمودند، ثروتمندان شکایت او را پیش معاویه بردند، معاویه هم‌اورا نزد عثمان فرستاد که مبادا اهل شام را به شورش وا دارد، چون ابوذر به مدینه رسید، عثمان از او پرسید: برای چه اهل شام از او شکایت کرده‌اند؟ پاسخ داد: توانگران نباید اموال را ذخیره کنند. مؤلف نامبرده بعد از آنکه این مطلب را از طبری نقل می‌کند، می‌گوید: از این معلوم می‌شود که عقیده ابوذر به عقیده «مزدک» در تقسیم اموال

افسانه‌ی معروف «عبدالله بن سبا»

«احمد امین» نویسندهٔ مصری، در کتاب «فجر الاسلام» بعد از آنکه راجع به «مزدک» و عقاید او بحث میکند؛ در آخر آن بحث، چنین می‌نویسد: در اینجا ما به عقیدهٔ ابوذر که از حیث تقسیم و توزیع ثروت، به آئین مزدک شباهت دارد، اشاره می‌کنیم. «طبری» می‌گوید: «ابوذر در شام قیام نموده، چنین می‌گفت: ای گروه توانگران به تهیدستان و بی‌چارگان کمک و مساعدت کنید، خداوند می‌فرماید: «کسانیرا که سیم و زر می‌اندوزند و در راه خدا اتفاق نمی‌کنند، مژده بده به آتشی که

(۱) سوره توبه آیه ۳۵

بن سبأ» زیادتکیه کرده پیدایش و افکار شیعه را بر آن شخص موهوم و خیالی نسبت داده است! بطوریکه ملاحظه می‌کنیم: در اینجا نیز قهرمان داستان او «عبدالله بن سبأ» است. هر چند اصل داستان را از طبری گرفته است، ولی چیزی که بر آن افزوده و بعقبه خود يك مشکل تاریخی را حل کرده است؛ این است که او این شخصیت افسانه‌ای را در شهر های عراق و یمن و... سیر داده و او را بعد از آشنائی با عقاید مزدکیان ایران، دوباره به مدینه و شام بر گردانده است.

سو کمندانه چیزی که به مراتب بیشتر از يك تأسف ساده است، و درخور سوگواری است، این است که: چگونه «احمد امین» گناه بزرگ این تهمت را به گردن گرفته و ابوذر، صحابی بزرگ و استوانه شیعه را متهم به مزدکی گری کرده است، بدون اینکه در اصل موضوع تحقیق و بررسی کند؟! البته این خود یکی از جنایات بزرگ تاریخ است و مورخان رسمی خلفا از این نوع جعل تاریخها دارند و شخصیت برخی از بزرگان شیعه را تحریف کرده‌اند، بعضی از نویسندگان مغرض معاصر نیز همین تهمتها را با آب و تاب بیشتر تکرار می‌کنند. مورخان رسمی خلفا با متهم ساختن «ابوذر» خواسته‌اند نهفت او و ارزشهای او پیام او را مسخ کنند و افکار مردم را منحرف سازند و تبعید و شکنجه‌ی

خیلی نزدیک است اولی ما نمی‌دانیم او این رأی را از کجا گرفته است؟ سپس اضافه می‌کند: «طبری» از این سؤال بما پاسخ میدهد و می‌گوید: «ابن السوءاء»، ابوذر غفاری را ملاقات کرد و او را به این عقیده دعوت نمود و نیز «ابن-السوءاء»، «ابو درداء» و «عبادة بن صامت» را دیده و آنها را به همین عقیده فراخواند ولی آنها نپذیرفتند، «عبادة» او را نزد معاویه برده، گفت: بخدا سوگند این شخص (ابن سوءاء) ابوذر را به قیام و شورش واداشته است، (۲)

«احمد امین» بعد از نقل این دو قسمت از تاریخ طبری، اضافه می‌کند: «باید دانست که «ابن سوءاء» لقب «عبدالله بن سبأ» است و او یهودی و از اهل صنعاء بوده که در زمان عثمان مسلمان شده بود. او می‌خواست دین اسلام را خراب کند، بدین سبب عقاید باطل خود را در میان مسلمانان پخش نمود... عبدالله در اغلب ممالک مسافرت و سیاحت کرده، حجاز و بصره و کوفه و مصر و شام را دیده بود به احتمال قوی «عبدالله بن سبأ» عقیده «مزدک» را از عراق یا یمن اخذ نمود، و ابوذر را که ساده و دارای قلب پاک بود، تبلیغ نموده است...» (۳)

«احمد امین» روی تعصب و عادت نفاق جوئیانه‌ی که دارد، در کتابهای خود به داستان موهوم «عبدالله

(۲) تاریخ طبری ج ۳ طبع مصر سال ۳۰ صفحه ۳۳۵ - دائرة المعارف: محمد فرید و جدی ج ۶

ص ۱۶۰

(۳) فجر الاسلام: طبع قاهره: ص ۱۱۰ و ص ۱۱۱ - پرتو اسلام: ترجمه: فجر الاسلام ج ۱ ص

۱۴۶ - ۱۴۷ - تاریخ سیاسی اسلام: دکتر ابراهیم حسن: ج ۱ ص ۲۷

اسلامی در جلد اول کتاب «علی و بنوه» در وجود ابن سبا تشکیک کرده و سپس در جلد دوم، اصولاً منکر وجود او شده است. (۲)

وی در ضمن بحث مفصل و باارزشی که در این باره دارد، با تعجب میگوید: «از همه عجیبترین است که میگویند: «ابن سبا» به ابوذر آموخت که سخن معاویه که میگوید: «بیت المال مال خدا است» درست نیست و باید بگوید: مال مسلمانان است. و بازمیگویند: او بود که به ابوذر آموخت... طلانوقره اندوزان را مژده دهد که پشانی و پهلوها و پشتهای آنان را در قیامت بدان مالهای اندوخته، داغ میکنند. من هیچ ظلمی را چنین نمی بینم آخر، ابوذر چه احتیاجی داشت که نو مسلمان غریبی، بدو تعلیم دهد که فقرا بر توانگران حق دارند و خدا مال اندوزان را که چیزی در راه او نمی دهند، از عذاب سخت ترسانده است؟... «ابوذر» احتیاجی نداشت که این مرد غریب، حقایق اولیه اسلام را بدو بیاموزد.

«ابوذر» پیش از همه انصار و پیش از بسیاری از مهاجران، مسلمان شد، مدتی طولانی با پیغمبر هم صحبت بود، قرآن را نیکو حفظ داشت، سنت را خوب روایت می کرد.

آنها که گمان می کنند ابن سبا، «ابوذر» را دید و سخنان خود را بدو آموخت درباره خود و ابوذر ستم می کنند.

پس از آنکه ابوذر از شام برگشت روزی به عثمان

اورا شرعی و قانونی قلمداد نمایند و برستمگران و جنایتکاران تاریخ خدمتی انجام دهند و به روی یکی از جنایتهای بزرگ بنی امیه پرده بکشند.

غافل از اینکه نه جنایات بنی امیه در تاریخ اسلام قابل برده پوشی است و نه عظمت و شخصیت صحابی بزرگ «ابوذر» برای مسلمانان ناشناخته است. هر گاه تعصب را کنار بگذاریم، می بینیم: ابوذر هیچوقت خواستار اشتراکیت بمعنی صحیح کلمه نبوده است و او نمی خواسته مالکیت فردی در جامعه اسلامی نباشد، بلکه او در برابر اسراف کاریها و گشاده بازیهای بنی امیه و سرمایه داران آن عصر، مبارزه خود را شروع میکند، با الهام از تعالیم زنده اسلام، فریادی به طرفداری از طبقه محروم و بیچاره آن روز، بلند می نماید، بیچارگان و ستمدیدگان را بدور خود جمع کرده آنان را بشدت برضد دستگاه تنگین بنی امیه تحریک میکند.

این تهمت که به ابوذر زده شده، بر اساس افسانه خرافی «عبدالله بن سبا» است، جائی که طبق تحقیقات محققان، «ابن سبا» وجود خارجی نداشته است، بی پایگی این اتهام هم کاملاً روشن است. البته این موضوع فقط ادعای نیست، نویسندگان در این باره دلایلی دارند که ما قسمتی از آنها را که مربوط به این بحث است بعنوان نمونه نقل نموده و تفصیل بیشتر را بوقت دیگری موکول می کنیم:

«دکتر طه حسین» نویسنده معروف و دانشمند

(۲) - کتاب «علی و بنوه» تألیف «دکتر طه حسین» ترجمه: فارسی: «علی و فرزندانش» به قلم:

محمد علی خطیلی ص ۱۱۲ - ۱۱۷

دشمنان شیعه به شیعه زده اند ، بسیاری بینیم...» (۵)

* * *

هر جنبش اجتماعی را مخالفان به

تحریک اجانب نسبت میدهند

«دکتر علی الوردی» استاد دانشگاه بغداد ، در شناخت علل وانگیزه شورش زمان عثمان ، اصلی را نشان داده که بی نهایت قابل توجه است و یکی از اصول جامعه شناسی امروز ، و تاریخ است. اومی نویسد : «... آیا محیط اجتماعی اسلامی آن روز ، احتیاج بکسی داشت که محرکش برقیام و شورش باشد ؟»

معلوم می شود مورخان که داستان «ابن سبا» را نقل کرده اند ، تصور میکردند که محیط اجتماعی اسلام ، در آن وقت راضی و آرام و مطمئن میزیسته است ، و هیچ موضوعی نبوده که باعث اضطراب و عدم رضایتش شود ... در آن روز محیط اجتماعی اسلامی ، گرفتاریک مشکل بزرگ اجتماعی بوده ، و فاصله زندگی میان ثروتمند و فقیر ، بحدی بود که مایه نفرت بود .. و شورش راحتمی می نمود ، و ما احتیاجی به بیان علت ظهور آن نداریم ، بلکه به آن احتیاج داشتیم ، که اگر شورش روی نمی داد بعلت و سبب آن رسیدگی کنیم ... «ابن سبا» که می گویند محرك شورش بود ، همانطور که «دکتر طه حسین» گفته است ؛ يك شخصیت موهوم بود و چنین می نماید که این شخصیت عجیب را عمداً ساخته اند ، و مخلوق همان ثروتمندانی است که ، شورش بر علیه آنان باشد و این روش ، از هادات

گفت : کسی که زکات مال خود را داده ، نباید تنها بدان قناعت کند ، بلکه باید بقرا ببخشد ، بگرسنه بخوراند و مال خود را در راه خدا بدهد.

«کعب الاحبار» حاضر بود و گفت کسی که زکات واجب را داد ، دیگر با کسی بر او نیست . «ابوذر» بر آشفت و به کعب گفت : یهودی زاده این حرفها بتوجه ؟ می خواهی دین ما را بما بیاموزی؟ سپس او را با عصائی که داشت زد ! ...

«ابوذر» به کعب اعتراض میکند که چرامی - خواهد احکام دین را بدو بیاموزد ؟ و چرا در مسائل بدیهی اسلام در کار مسلمانان مداخله میکند . آنوقت

چنین کس ، اصلی از اصول اسلام و حکمی از احکام قرآن را ، از ابن سبا تعلیم می گیرد ؟ ! با آنکه «کعب» زودتر از «ابن سبا» (هرگاه واقعت داشته باشد) مسلمان شده بود و در مدینه سکونت داشت و شب و روز با اصحاب پیغمبر سر می برد ... عجب است که مردی از اصحاب پیغمبر ، بر «کعب» اعتراض میکند که چرا در مسائل دینی دخالت میکند ، آنوقت خود وی تبلیغات ابن سبا را قبول کنند !!

«دکتر طه حسین» همچنان به سخنان منصفانه خود ادامه داده و می گوید : دشمنان شیعه ، در خلافت امویان و عباسیان ، درباره ابن سبا مبالغه کرده اند ، تا مردم را درباره بدعتهایی که از جانب «عثمان» و عمال او پدید آمده بشک اندازند و از طرف دیگر به «علی» و شیعیان او طعنه زنند و پاره ای از عقاید شیعه را ناشی از تعلیمات مردی یهودی بدانند ، که از روی حيله مسلمان شده است ، ما از طعنه هائی که

(۵) کتاب : «الفتنة الکبری» تألیف «طه حسین» ترجمه : دکتر سید جعفر شهیدی ص ۱۴۰ بیعد

قیصری و کسرائی، و سادگی به تشریفات پرشکوه
دربار معاویه و دستگاه عریض و طویل عثمان تبدیل
گشت .

محرومان و توده زحمتکش و ازبا افتاده درزیر
قدمهای رباخواران و برده فروشان و ثروتمندان و
اشراف ، بامال گشتند ...

اختلاف طبقاتی و تمرکز ثروت در دست عده‌ای
معدود ، بازاحیا شد و اسلام را خطری بزرگ تهدید
می کرد . بیت المال بین امویها و اطرافیان دربار
عثمان تقسیم میشد .

هزاران دینار برای ساختن « کاخ سبز » برای
حاکم اسلامی ۱۱ « معاویه » خرج شد و عثمان تمام
قلعه خیبر و پنج یک مالیات سراسر آفریقا را بمروان
بخشیده و سیصد هزار درهم به « حرث بن ابی العاص »
و صد هزار درهم به یزید بن ثابت داده بود . بدین
ترتیب امویین بیت المال را تیول خود ساخته
بودند . (۷)

« ابوذر » آن صحابی بزرگ و مسؤل ، این صحنه
شرم آور را میدید و چون دیگر نمی توانست طاقت

طبقات اشرافی و تن آسا است و در تمام مراحل
تاریخی نسبت به انقلابیون ، این رویه را داشته اند ...
باید دانست که ثروتمندان و آسایش طلبان ،
هر مرام جدیدی را منتسب بیک حرکت بیگانه میکنند
و چنانکه پرفسور « سمل » میگوید : این اتهامات در
مراحل مختلف تاریخی دیده شده است ...

نتیجه‌ای که « دکتروردی » پس از نقل این مطلب
می گیرد ، این است که : ظاهر آفتودالها وار بابان
بزرگ زمان عثمان ، از شکایات و نارضایتی های مردم که
از ثروت های بی پایان آنان داشتند ، بیمناک و هراسان
شدند و آن ناخوشنودی و شکایات را نسبت بیک
یهودی ناخوانده ای دادند که آمده بود ، تا در
حق اسلام و مسلمین اعمال دشمنی کند ، گوئی می -
خواستند با این شایعه ، علت اصلی شورش و
قیام مردم را علیه خود بیوشانند ... » (۶)

آری هنگامیکه حکومت بنی امیه به ریاست
عثمان بر اسلام مسلط شد ، تزلزلی در مبانی حکومت
اسلامی پدید آمد ، بطوریکه خلافت اسلامی به
سلطنت ، و کوخ زمامداری اسلامی ، به کاخ

(۶) « نقش و عاظ در اسلام » تألیف : دکتر علی الوردی ، ترجمه « و عاظ السلاطین » ص ۱۳۰-۱۳۱
اینها نمونه تحقیقات ارزنده دانشمندان اهل تسنن است که در پاسخ نویسندگان مغرض کافی است .
خوشبختانه دانشمندان شیعه نیز در این باره تحقیقات با ارزشی دارند که این مجال ، گنجایش آنها را ندارد
به کتابهای زیر مراجعه شود : ۱ - کتاب : « عبدالله بن سبا » تألیف : مرتضی عسکری ۲ - الغدیر ج ۸ از
صفحه ۳۲۴ تا آخر ۳ - کتاب « الی مشیخة الازهر » تألیف : استاد عبدالله السیتی ، طبع بغداد
صفحات ۱۱۵ تا ۱۱۸

(۷) در این باره به کتابهای : « المداللة الاجتماعية فی الاسلام » سید قطب و کتاب « و عاظ السلاطین »
دکتروردی و کتاب ابوذر غفاری : جودة السحار و کتاب « الاسلام المفتری علیه ... » تألیف محمد غزالی -
مراجعة شود .

تا آن منظره را دیده‌ام و او رو کرد و گفت: ای معاویه اگر این اذمال مردم است خیانت است، و اگر مال عودت می‌باشد اسراف.

چهره معاویه از شرم سرخ شده و جوابی نداد، ابوذر به مسجد آمدنطقی ایراد کرد و گفت: جریانی بوجود آمده که من تاکنون آنرا نشناخته‌ام، بخدا قسم که این نوع اعمال نه در کتاب خداست و نه در رفتار و سیره پیغمبرش، بخدا که می‌بینم حتی پاپمال شده و باطلی زنده گردیده و راستگورادروغگو جلوه داده و هر ج و مرج پدیدار گشته است...» (۸)

بیاورد با استناد به آیه شریفه: «والذین یسکتون الذهب والفضة...» مبارزه خود را بر ضد حکام وقت شروع نمود، ابوذر فریاد می‌زد این سرمایه های هنگفت و سیم وزرهاییکه اندوخته میشود، باید میان مسلمانان به تساوی تقسیم گردد و باید در سایه برابری و برادری اسلام همه از مواهب زندگی بر خوردار گردند. ابوذر این طرز فکر را، از رسول خدا یاد گرفته بود و لذا «هنگامیکه بشام رسید، معاویه کاخ سبز را می‌ساخت و هزاران کارگر، برده و اردر آن بکار مشغول بودند، معاویه با ضعف و شادی بسیار آنجا ایستاده بود، ابوذر از آنجا میگذشت

دودکا، عامل افزایش جنایت در شوروی:

ارگان حزب کمونیست گرجستان شوروی نوشت که «جنایت در اتحاد شوروی نتیجه شرایط اجتماعی نیست» و سپس ادعا کرد که معتادان به الکل مسؤل افزایش جنایات، تجاوزات و دزدیها در جمهوری «گرجستان» شوروی هستند. این روزنامه صریحاً خاطر نشان ساخت که قانون، پلیس و مجازاتهای مختلف تأثیر چندانی نداشته و نتوانسته اند مانع بروز جنایات ناشی از مصرف «دودکا» بشوند. (کیهان شماره ۹۱۳۵)

(۸) ابوذر غفاری: «عبدالحمید جودة السحار» نویسنده بزرگ مصری از ترجمه فارسی طبع مشهد

ص ۱۳۹

تمدنی بر اساس

استثمار تو ده‌ها!

جالب توجه اینکه: استثمارگران برای اثبات شایستگی خود به نظریه داروین متوسل می‌شدند!

«امپریالیسم» در سطح جهانی آن برمیخوردیم و در این صورت دیگر هیچگونه اطمینانی به دوام و جذب تمدن قرن نوزدهم باقی نمی‌ماند. جذبه خارجی و ظاهری این تمدن بسیار زیاده و دلکش بود اما قلب آن بیمار و فاسد. انحطاط و اضمحلال، همچون خوره‌ای از داخل نیروی حیاتی این تمدن را که بر اساس استثمار توده‌ها و رفاه هرچه بیشتر طبقات بالا، استوار بود، نابود می‌ساخت.

* * *

ادبیات و علوم و صنایع ظریفه، ترقی فراوان کرد. و در بیشتر کشورهای اروپائی به‌ویژه در آلمان

قرن نوزدهم قرن شکفتگی تمدن اروپایی بود. علوم هزاران وسیله برای کم کردن کار و زحمت انسان فراهم می‌ساخت. زندگی طبقات مرفه، مطبوع و با فرهنگ پیشدو به نوع احساس رضایت و خودپسندی و تن پروری در مردم اروپا به وجود آمد.

چنین به نظر می‌رسید که این وضع دوام خواهد داشت و از یک پیروزی به پیروزی دیگر پیش خواهد رفت، اما اگر به عمق این سطح نگاه می‌کردیم در آن، هیچ‌انها و نابسامانیهای بزرگ و شوکت‌انگیز و مناظر نامطبوع فراوان می‌دیدیم.

با این تعمق و غوررسی به چهره کریمه و سفک

دگرگون ساخت، جملگی از آثار نیمه اول قرن نوزدهم است در میان بزرگترین دانشمندان، باید از «ایساک نیوتن» انگلیسی نام برد که قانون جاذبه عمومی را کشف کرد. و توضیح داد که چگونه اشیاء وزن دارند و سقوط میکنند و با کمک این قانون و قوانین دیگری که کشف شد چگونه حرکات خورشید و ستارگان را نیز تشریح کرد

بالاخره با پیشرفتها و کشفیات مختلف علمی روح علوم بر تعلیمات خشک و جامد کلیسایی غلبه کرد، دیگر نمی شد نظریات علمی را نفی کرد و نابود ساخت و هواداران آن را به آتش افکند. بسیاری از دانشمندان با حوصله و بردباری به کار و آزمایش پرداختند و بدین ترتیب علم و دانش رو به کمال می رفت .

در اواسط این قرن شخصی بنام «چارلز داروین»، کتاب «اصل انواع» را منتشر ساخت که همچون زلزله ای افکار مردم را تکان داد، وی معتقد بود که انواع حیوانات به یکدیگر مبدل میشوند و این تبدیل، روش عادی تکامل است .

«انتخاب طبیعی» و «بقای اصلح» دیگر از جمله حرفهای عادی و معمولی مردم کوچه و بازار شد و اصطلاح «حلقه گمشده» برای بسیاری از مردم، صورت شوخی و مسخرگی را پیدا کرده بود .

بسیار جالب توجه است که بدانیم طبقات حاکمه شدت به نظریه داروین متوسل شدند تا شایستگی خود را بدین وسیله به ثبوت رسانند، آنها نظریه داروین را دستاویزی برای اثبات برتری و اولویت خود قرار

و انگلستان و فرانسه، شاعران و نویسندگان و دانشمندان و صنعتگرانی بوجود آمدند که نظیر ایشان در قرون گذشته کمتر دیده میشد .

ادبیات در قرن نوزدهم از لحاظ سبک تازه ای که شاعران و نویسندگان در شاعری و نویسندگی اختیار کردند، اهمیت بسزائی یافت . مثلاً در اوائل قرن نوزدهم ادبیات فرانسه صورتی دیگر بیافت و از جامه اشرفی بدرآمد، شعر و ادب که تا آن زمان طبقه نجبا و توانگران اختصاص داشت، در دسترس عامه قرار گرفت .

از جمله نویسندگان و شاعران بزرگ این قرن که در ترویج سبک «رمانتیسیم» و برانداختن سبک کلاسیک در ادبیات پیشگام بودند، عبارتند از: «لامارتین»، «ویکتور هوگو»، آلفرد دووین» و آلفرد موسه. پس از آنکه ادبیات اروپا، بسبب ظهور رمانتیسیم، رنگ دیگر گرفت، در تاریخ نویسی نیز تغییراتی پیدا شد، مورخان مطالعه در احوال اجتماعی و روحی و اخلاقی و طرز زندگی پیشینیان را بر ذکر حوادث و شرح منازعات و بیان دسائس سیاسی مقدم شمردند

پیشرفت علوم :

با آنکه ادبیات در نیمه اول قرن نوزدهم ترقی بسیار کرد، اما از لحاظ تاریخی در این مرحله پایه علوم نرسیده است، زیرا مهمترین اکتشافات و اختراعات علمی، مانند اختراع کشتی و ماشین بخار و تلگراف و کشفیات شیمیائی، که زندگانی بشر را یکباره

داده‌ومی گفتند: بنا بر قانون «انتخاب طبیعی»، آنها بالاتراز دیگرانند و در نبرد زندگی و میدان «تنازع بقا» شایسته‌تر و مناسب‌ترند. این موضوع بهانه‌ای برای اثبات حقانیت تسلط و غلبه طبقه‌ای بر طبقه‌دیگر و نژادی بر نژادهای دیگر شد (۱).

امپریالیسم و استعمار هم برای اثبات حقانیت تسلط و برتری نژاد سفید به همین نظریه متوسل گردید و بسیاری از اشخاص در غرب تصور کردند که هر چه تسلط آنها کاملتر و خشونت و قدرتشان بیشتر باشد از نظر ارزش انسانی به مراحل کاملتری میرسند آنها

بدین ترتیب ملاحظه میکنیم يك نظریه علمی که باید صد درصد در آزمایشگاهها و محیطهای دانش مورد بحث و بررسی قرار گیرد، چگونه دستاویز سیاست بازان حرفه‌ای واقع میشود و با چه مهارتهایی پشتوانه جنایات و تجاوزات، جباران روزگار قرار میگیرد؟

نفهمیدیم عوض میشود یا نه؟

اسامی خارجی مغازه‌ها عوض می‌شود:

اطاق اصناف اعلام کرد که تنها در يك صورت اجازه صدور یا تجدید پروانه کسب، داده می‌شود. و آن موقعی است که برای مغازه‌ها يك نام فارسی اصیل و زیبا و مناسب، انتخاب کنند و در غیر این صورت به هیچ وجه پروانه کسب داده نخواهد شد.

(جرائد)

... تغییر اسامی خارجی مغازه‌ها منتفی شد،

و اطاق اصناف رسماً حرفش را پس گرفت.

(جرائد)

مکتب اسلام: و خلاصه نفهمیدیم که آیا عوض میشود یا نه؟ گویا فکر کردند که نداشتن تابلوها با اسامی خارجی، نشان عقب ماندگی است شاید هم ملاحظه احساسات «غرب زده‌ها» کردند.

۱ - تاریخ عمومی عالم ج ۶ (تاریخ قرن نوزدهم و معاصر) آبرماله - ذول ایزاک ترجمه: نصرالله فلسفی.

و این دستگاه گیرنده گرانبها

دنیای کرادنیای تنه‌ایان است ، اگر شما این دستورها را به کار بندید
به چنان دنیای وحشتناکی تمام نخواهید گذارد

گوش هدایت میکند . بعضی حیوانات مثل سنگ ، گوش خود را بطرف صدا میخوابانند تا بهتر بشنوند و بعضی حیوانات لاله گوش را بطرف صدا می چرخانند . پرده گوش بین گوش خارجی و میانی قرار دارد و با صدا مرتعش میشود و صدا را با استخوانهای گوش میانی می‌رساند این استخوانها سه تا هستند و چکشی ، رکابی و سندان نامیده میشوند ، ارتعاشات صدا از پرده گوش به این استخوانها می‌رسد و آنها را حرکت داده و عینا ارتعاشات را بگوش داخلی منتقل نموده و بدین وسیله امواج صدا به عصب شنوائی رسیده و سپس به مرکز شنوائی در مغز منتقل می‌شود .

انسان قادر است امواج صوتی را که ارتعاشات آنها بین بیست تا بیست هزار در ثانیه باشد

پس ازینائی ، مهمترین حس ، شنوائی است . این حس انسان را از خطر نجات میدهد مثلا شنیدن صدای وسیله خطرناکی که نزدیک میشود و با افتادن سنگ از کوه و با فریدن شیر در جنگل ، و احساس صدها خطر دیگر بوسیله گوش امکان پذیر است .

بچه‌ای که شنوائی ندارد ، لاله هم خواهد بود . کسانیکه شنوائی را از دست میدهند ، بی نهایت رنج می‌برند و گویا در اجتماع ، خود را تنها حس می‌کنند .

چگونه همیشه باشیم ؟ :

گوش از سه قسمت : خارجی ، میانی و داخلی تشکیل شده است . گوش خارجی عبارتست از لاله و سوراخ گوش که اصوات را گرفته و به داخل

مواظبت از گوش :

معمولاً عفونت و بیماری ازخارج وارد گوش نمی شود بلکه غالباً میکرب از راه بینی و لوله استاش وارد گوش میانی میگردد بدین معنی که عفونت های گلوویینی باعث آزدگی گوش میانی میشوند. در اغلب گلودردها، سرماخوردگیها و «سینوزیتها» (۲) در ناحیه گوش، فشار و یا درد احساس میشود. در بعضی موارد بخصوص در کودکان، عفونت این نواحی از راه لوله استاش خیلی زود به گوش میانی سرایت می کند و باعث تورم و درد شدید گوش میگردد. چنانچه گوش میانی شدیداً آلوده گردد ممکن است باعث کری یا لااقل کم شدن شنوائی گردد، گاهی عفونت باعث سوراخ شدن پرده گوش میگردد، در این صورت اگر به سایر قسمت های گوش صدمه نرسیده باشد در شنوائی نقصان زیادی ایجاد نخواهد شد، گاهی عفونت گوش میانی با استخوانهای ناحیه خلفی گوش که با اصطلاح پزشکی «ماستوئید» (۳) نامیده می شود سرایت میکند و از آنجا ممکن است عفونت به پرده مغز نیز برسد نحو شبخانه امروزه با داروهای جدید مثل سلفامیدها و آنتی بیوتیکها این بیماریها خیلی زود بهبود می یابند و عوارض زمانهای گذشته دیده نمی شود بشرط اینکه کودکان را در موقع گلودرد و گوش-درد به پزشک ببرند.

گاهی میکرب ازخارج به داخل گوش وارد می-

درد کند ولی بعضی حیوانات هستند که امواج صوتی بیش از این حد را نیز درک می کنند.

در گوش داخلی دستگاه تعادل بدن قرار گرفته است. بدن انسان مانند تمام اجسام همیشه تحت تأثیر قوه جاذبه زمین است ولی با وجود این بخوبی میتواند سر پا بایستد و راه برود حتی در تاریکی و یا با چشمان بسته. حفظ این تعادل بوسیله دستگاهی که در گوش داخلی است انجام میگردد.

گوش میانی بوسیله لوله «استاش» (۱) به بینی ارتباط دارد این لوله تعادل هوا را در دو طرف پرده گوش حفظ میکند. اگر در دو طرف پرده گوش هوا متعادل نباشد، در گوش ناراحتی ایجاد خواهد شد و چه بسا که فشار هوا ازخارج باعث فرورفتن پرده گوش به داخل شده و پرده، سوراخ خواهد شد، اگر سیلی محکمی به گوش کسی نواخته شود، در اثر فشار شدید هوا پرده گوش سوراخ میشود.

وقتی که هوا بیما، سرعت اوج می گیرد، چون فشار در بالای جو کمتر است از طرف گوش میانی به پرده فشار وارد میشود و تا وقتی که لوله استاش هوا را تنظیم کند، باعث ناراحتی گوش خواهد شد، در موقع پائین آمدن سریع هوا بیما عکس این حالت اتفاق می افتد، در این قبیل موارد برای اینکه لوله استاش زودتر هوای دو طرف پرده را متعادل سازد، فرو بردن مکرر آب دهان و یا مکیدن چیزی خیلی مفید است.

Eustach — 1

Sinusitis (۲) عبارتست از تورم حفره های استخوانی صورت و پیشانی

Mastoid — 3

شود و آن وقتی است که با اجسام خارجی پرده گوش سوراخ شود مثلا کودکان با هسته سنجید و یا دانه تسبیح که داخل گوش خود میکنند و یا اشخاص بزرگ بوسیله چوب کبریت و سنجاق و غیره که با آنها گوش خود را تمیزی کنند. بهر حال جایز نیست که این قبیل چیزها را داخل گوش خود نمایند و اصولا احتیاج نیست که گوش را به این شکل تمیز بکنند، کافی است که موقع استحمام گوش را با آب و صابون وانگشت کوچک بشویند، ماده مومی که از گوش ترشح می شود برای بهداشت این عضو ضروری است چه این عضو را از صدمات خارجی و خشک شدن حفظ می کند و موقع آب تنی و استحمام از پر شدن آب بداخل آن جلوگیری می کند و مانع ورود حشرات به داخل گوش میگردد، گاهی این ماده سفت تر میشود و سوراخ گوش را می گیرد و شنیدن مشکل می شود در این قبیل موارد بهتر است این موم بوسیله پزشك خارج گردد. بعضی موقع، حشرات وارد گوش میگرددند که حرکات آنها باعث ناراحتی می شود، برای خارج کردن حشره نباید تقلا کرد بلکه کافی است يك ياد و قطره روغن معدنی مثل پارافین در گوش ریخت در این صورت حشره در روغن غرق میشود و می رود چه بسا که خود به خود باروغن خارج میشود و اگر خارج نشد بهتر است پزشك آن را خارج نماید

از پاك کردن بینی با صدای بلند باید پرهیز کرد، این امر نه تنها از نظر نزاکت و ادب مذموم است بلکه ممکن است میکرب و چرك را از راه لوله «استاش» به گوش میانی برساند. اگر از گوش چرك خارج شود حتما باید سه

پزشك مراجعه نمود چه ممکن است در اثر غفلت، این چرك مزمن شده و باعث كری گردد. هنگام گلودرد و عفونت بینی، و زكام، شنا کردن صلاح نیست چه ممکن است عفونت به گوش سرایت کند. اگر احيانا در این قبیل موارد اقدام به شنا گردید بهتر است از راه دهان نفس کشیده و از راه بینی خسار ج شود. هرگز نباید در آب آلوده شنا کرد، پس از بهبودی از سرخك، اوربون، مخملك، سیاه سرفه و منژیت باید از نظر گوش مورد معاینه قرار گرفت چه گاهی این بیماریها اثرات نامطلوب در گوش میگذرانند.

باید از سرو صدای بی حد و دائم پرهیز کرد، کارگرانی که در کارخانه های پرس و صدا کار میکنند باید از وسائل استفاده کنند که صدا به گوش آرام تر برسد. صدای هواپیمای جت بقدری گوش خراش است که اگر انسان چند دقیقه در نزدیکی این صدا قرار بگیرد باعث نقصان موقتی شنوایی خواهد شد و اگر این عمل مدت متمادی تکرار شود باعث كری دائمی خواهد شد.

اگر کسی مجبور باشد که در مقابل صداهای گوش خراش کار بکند حتما باید از وسائل استفاده مخصوص بکند و بالا اقل در گوش بنبه بگذارد، علت كری در اثر سرو صدای ناهنجار این است که مژه های لرزان گوش داخلی خراب می شوند در این صورت كری ایجاد خواهد شد و حتی سمعك نیز كمك زیادی نخواهد کرد.

شنوایی در کودکان :

بعضی از کودکان نقص شنوایی دارند و این نقص هر چه زودتر باید تشخیص داده شود تا چاره گردد. بچه های نوزاد و کودکان خردسال اگر بطور

سالگی معمولاً کودک کلمات را با جمله های کوتاه
 ادا می کند و اگر بتدریج حرف زدن وی بهتر نشود
 امکان دارد که در شنوائی او ایرادی باشد .
 در آموزشگاهها ، آموزگاران باید توجه
 مخصوص به کودکان دیرفهم مبذول دارند زیرا
 اغلب این کودکان تنها دیرفهم نیستند بلکه خیلی
 هم باهوش هستند و چون نقصی در قوه شنوائی دارند
 مطالب را خوب درک نمی کنند و غالباً هم گوشه گیر
 هستند بنابراین ، این قبیل کودکان حتماً باید بطور دقیق
 از نظر گوش معاینه شوند و در صورت لزوم معالجه
 گردند و در اطاق درس در ردیف جلو بنشینند .

ناگهانی صدائی بشنوند پلك چشمها را بهم میزنند
 و یادست و پای خود را جمع می کنند. اگر کودک
 خردسال به صدای شدید و ناگهانی بی تفاوت بماند
 با احتمال زیاد نقصی در شنوائی دارد.

کودك بعد از دو سه ماهگی باشنیدن صدای بلند و
 ناگهانی حرکات دست و پا را متوقف می کند و
 لحظه ای بی حرکت میماند و سر خود را بطرف صدا
 می چرخاند. اگر این علامتها تا ۸ ماهگی مشاهده
 نشود باید هوشیار بود و احتمال داد که نقصی در
 شنوائی بچه وجود دارد .

بچه نسبت به صداها بسیار هوشیار است و همزمان
 آشنیدن صدا سعی می کند که حرف بزند. در دو

موزه آثار مذهبی

در جراید نوشته بودند در نظر است که موزه ای بعنوان موزه آثار مذهبی تشکیل
 دهند. اگر این موزه آثار اصیل مذهبی (مانند قرآنها، کتابها، و نمونه های از پرده
 کعبه و تابلوهای نفیس خطی و آثار جالبی از بناهای دینی و امثال آنها) را جمع-
 آوری کند، کار جالبی است ولی اگر چیزهایی مانند قمه ها، قفلها، طبلها و شیپورها،
 و کاسه های پنج انگشتی مشکل گشا و نظایر آنها باشد، نه تنها خدمتی نخواهد بود
 بلکه چهره مذهب را در نظرها طوردیگر جلوه خواهد داد و ضربهای خواهد بود
 بر افکار اصیل مذهبی .

بررسی آخرین آمار :

مسلمانان جهان

آمارگران غربی تحت تأثیر محافل صهیونیستی پیوسته می کوشند
تعداد مسلمانان جهان را کم تر نشان دهند

اسلامی بدست می آید، یا ارقامی که دوباره اقلیت های مسلمان بعضی از کشورهای دشمن - غربی یا شرقی - منتشر می گردد ، نمی تواند قابل اعتماد و مورد قبول باشد و از طرف دیگر، مادر موضوع آمار و ارقام نفوس بشری، بایک پدیده ای که همیشه در حال تغییر و تحول است، روبرو هستیم و حتی اگر بتوانیم دقیق ترین آمار را درباره تعداد مسلمانان کشورها بدست آوریم ، باید توجه داشته باشیم که همین آمار، بدو علت، بطور دائم در تغییر است . یکی آنکه آمار نوزادها در جهان بطور روز افزون روبه تزاید است و دیگری آنکه در سراسر جهان بویژه در آفریقا و آسیای شرقی ، تعداد جدیدالاسلام ها ، از شماره فزون شده است و اکنون مسأله بشکل «اسلام آوردن» يك فرد یا خانواده مطرح نیست ، بلکه ما با مسلمان شدن مردم يك قبیله یا اهالی يك روستا و شهر روبرو هستیم و همین دو نکته اساسی نشان دهنده این حقیقت است که هرگونه آمار دقیقی درباره تعداد مسلمانان جهان يك پدیده تغییر پذیر

تاکنون چندین بار - در سالهای گذشته - به بحث درباره آمار مربوط به مسلمانان جهان پرداخته و آخرین ارقام منتشره درباره تعداد مسلمانان را برای آگاهی خوانندگان مجله آورده ایم (۱) ، اکنون نیز بررسی کوتاهی در این زمینه داریم، ولی این بار بررسی ما را بایک تجزیه و تحلیل و بررسی نقد آمیز ، توأم با آخرین آمار منتشره ، بحساب آورد ا زیرا که ما در این جا کاری به آمار و ارقام مربوط به همه کشورها نداریم و اصولاً در بررسی تحقیقی این موضوع باید به این نکته اساسی توجه داشت که میان آمار دقیق و حساب شده و ارقام تخمینی و احتمالی - که پایه علمی ندارد - باید کاملاً فرق گذاشت . و همچنین باید میان آماری که از طرف گروههایی همراه با اغراض ویژه ای منتشر می گردد، با ارقامی که از طرف گروهی بی طرف و بیمثابه يك بررسی منتشر می شود، فرق نهاد . بدون شك آماری که از طرف مستشرقین یا نائیب الحکومه های استعمار غربی درباره بعضی از سرزمین های

(۱) رجوع شود به مجله مکتب اسلام شماره ۶ سال هشتم . ص ۳۲ - ۳۷ .

از ۱۲۰ میلیون مسلمان در این قاره بصری برند و با توجه به کل تعداد جمعیت آفریقا رقم درصد مسلمانان در آن، در حدود ۳۵ درصد می شود.

در مرحله سوم اروپا قرار دارد که در حدود ۲۰ میلیون مسلمان در آن بصری برند (۳).

همین آمار را ما اگر بخواهیم در یک مدرک با اصطلاح بی طرف افری - مانند انسیکلوپدی بریتانیا - بنگریم با تفاوت فاحشی روبرو می شویم که نشان دهنده عدم صداقت تهیه کنندگان با اصطلاح بی طرف این دائرةالمعارف تواند بود.

برای اثبات این حقیقت می توانیم به دو آمار منتشره در دو چاپ مختلف «کتاب سال» دائرةالمعارف بریتانیا، استناد کنیم:

سال ۱۹۷۲ (۵)		سال ۱۹۶۸ (۲)		مذهب
نسبت %	تعداد به میلیون	نسبت %	تعداد به میلیون	
۲۷ / ۷	۹۸۵ / ۲	۲۸ / ۸	۹۷۷ / ۴ نفر	مسیحیت
۱۳ / ۳	۴۷۱ / ۳	۱۲ / -	۲۷۲ / ۳	اسلام
۱۲	۱۲ / ۵	- / ۲	۱۳ / ۵	یهود
۲۱ / ۲	۱۴۷۱ / ۲	۲۳ / ۲	۱۳۶۵ / ۲	مجموع ادیان سه گانه
۵۸ / ۶	۲۰۸۰ / ۸	۵۶ / ۸	۱۹۲۶ / ۶	مذاهب دیگر و آئین های ابتدائی
-	۳۵۵۲ /	-	۳۳۹۱ / ۸	مجموع کل افراد بشر:

(۲): رجوع شود به بحث تفصیلی ما در مجله «الهادی» شماره ۲ سال ۲ ص ۸۷ - ۹۷ و شماره ۳ سال دوم ص ۱۳۶ - ۱۶۲.

(۳) «العالم الاسلامی المعاصر» تألیف جمال حمدان چاپ قاهره ص ۱۲ - ۱۶ - ۱۸.

— : 4 P 669 Of The Year 1968 Britannica Book

» » » » » 5 - : 613 1672

از بررسی آمار این جدول می‌توان چندین نتیجه بدست آورد :

۱ - تنها مذهبی که در طول سال‌های ۱۹۶۸ - ۱۹۷۲ میلادی گروهی از افراد خود را از دست داده اسلام است ؟! و این در هنگامی در يك كتاب با اصطلاح تحقیقی بی‌طرف ا منتشر می‌گردد که همه مصادر و منابع آماری جهان - از جمله خود غربیها - نشان می‌دهد که اسلام در آسیا و آفریقا پیروان جدیدی می‌یابد و افراد معتقد به آئین‌های بت پرستی و حتی مسیحیت، گروه‌گروه به اسلام می‌پیوندند .

۲ - نکته دوم آنکه از این جدول معلوم می‌شود که تعداد مسیحیان افزایش یافته ولی نسبت % «درصد» آنان کاهش یافته است . البته این امر با توجه به اینکه مسأله افزایش جمعیت در کشورهای مسیحی قوس نزولی پیموده است، معقول نظر می‌رسد .

۳ - با کمال تعجب در این جدول با افزایش جمعیت یهودیان در سال ۱۹۷۲ م رو برو می‌شویم ، در صورتیکه همه میدانیم یهودیان هرگز آئین خود را تبدیل نمی‌کنند «و پیروان جدید» را اصلاً نمی‌پذیرند و با توجه با اینکه آمار یهودیان با نظارت محافل و سازمانهای صهیونیستی در جهان تهیه و تنظیم می‌شود، این معقول نبود که در سال ۱۹۶۸ تعداد آنها ۱۳ / ۵ میلیون نفر باشد ، ولی ناگهان در عرض چهار سال يك میلیون نفر بر تعداد آنها افزوده شود... و این بدون شك نشان می‌دهد که حتی مجامع علمی با اصطلاح بی‌طرف نیز تحت تأثیر «محافل صهیونیستی» هستند و با توجه به اینکه

«دایرة المعارف بریتانیا» را دانشگاه هیکنگام چاپ و منتشر می‌سازد ، شاید تعجب خوانندگان مرتفع گردد... .

۴ - نکته مهمتر آنکه مجموع کل پیروان ادیان آسمانی - اسلام، مسیحیت و یهود - در این آمار کمتر از نصف مجموع نفوس بشری است و این نشان دهنده آنست که هنوز مذاهب بت پرستی و آئین‌های ابتدائی، بر صدها میلیون نفر از افراد بشری در نیمه دوم قرن بیستم حکومت می‌کنند .

توضیح بیشتر آنکه آمار تفصیلی «كتاب سال دایرة المعارف بریتانیا» نشان می‌دهد که در سال ۱۹۷۲ م پیروان آئین هندو بالغ بر ۲ / ۲۷۲ میلیون نفر . پیروان کنفوسیوس ۳۰۴۶ میلیون نفر و پیروان بودائیگری ۳۰۱ میلیون نفرند که تقریباً تمامی پیروان آنها در آسیا بسر می‌برند .

پیروان آئین‌های ابتدائی بیشتر در آفریقا بسر می‌برند که پس از مسلمانان اکثریت را تشکیل می‌دهند و بدون شك اگر گروههای تبلیغی اسلامی در این قاره به کوشش مخلصانه و صمیمانه‌ای برخیزند می‌توانند حتی در طول يك دهه، دهها میلیون نفر از آنها را هدایت کنند، زیرا که تجربه‌های چند سال اخیر بخوبی ثابت کرده که آفریقا و مردم آن بنا به بل فراوانی گرایش صادقانه‌ای نسبت به اسلام نشان می‌دهند... .

در این جا اشاره به آمار دیگری بیشتر شده از طرف يك «منبع» غربی نیز می‌نماید مناسب نخواهد بود :
«تقویم سالانه دایرة المعارف نیویورک تا بهز سال

در دنیا ۱۷ کشور وجود دارد که نسبت مسلمانان در آنها صد در صد است .

در ۲۲ کشور تعداد مسلمانان در حدود	۹۰ %	=	=	=
در ۱۱	۸۰ %	=	=	=
در ۱۱	۷۰ %	=	=	=
در ۶	۶۰ %	=	=	=
در ۱۲	۵۰ %	=	=	=
در ۳	۴۰ %	=	=	=
در ۱	۳۰ %	=	=	=
در ۱۰	۲۰ %	=	=	=
در ۲۰	۱۰ %	=	=	=
در ۱۶	کمتر از ۱۰ % (۸)	=	=	=

علاوه بر آمار فوق که در حدود یکسال قبل منتشر شده است؛ آخرین آمار تحقیقی منتشر شده، تعداد کل مسلمانان جهان را بالغ بر ۷۷۰/۵۹۵/۰۰۰ نفر معرفی می کند (۹) .

در هر صورت : آنچه مسلم و قطعی است تعداد مسلمانان جهان بطور روز افزون روبه تزايد است

بقیه در صفحه ۴۱

The New York Times Encyclopedic Almanac 1970 . P . 438 : - 6

(۷) : YAQBEEN Internaional شماره ۱۹ مورخ سوم محرم سال ۱۳۹۳ هجری چاپ کراچی ، پاکستان صفحه ۲۲۰ . و مجله « رابطة العالم الاسلامی » چاپ مکه شماره ۹ سال ۱۱ ص ۹ و مجله « التضامن الاسلامی » چاپ مکه شماره ۱۰۹ سال ۲۸ مورخ ع ۱ و ع ۲ ، ۱۳۹۴ هـ ، ص ۶۰۹ مقاله دکتر احمد علی اسماعیل .

(۸) مجله الهدایه چاپ تونس شماره اول سال اول مورخ رمضان ۱۳۹۳ هـ ص ۸۹ .

(۹) « الشهاب » چاپ بیروت شماره ۸ سال ۸ مورخ و رمضان ۱۳۹۴ هـ ص ۱۲ . بنقل از کتاب و قسمت -

للمسلم الاسلامی المعاصر » تألیف دکتر مهندس مصطفی مؤمن .

۱۹۷۰ ، تعداد مسلمانان جهان را در حدود ۲۹۳/۰۱۲/۰۰۰ نفر می شمارد (۶) و جالب آنکه مدرك این تقویم ، « کتاب سال » دایرة المعارف بریتانیا - چاپ سال ۱۹۶۹ - می باشد و ما چنانکه قبلا نقل کردیم ، در آن کتاب تعداد مسلمانان را کمتر از این ذکر کرده است .

این تناقض و تضادها می تواند بخوبی نشان دهد که حتی کتابهای با اصطلاح بی طرف معافل از تجامعی و امپیریالیستی غربی ، هرگز نمی خواهند آمار درستی در مورد اسلام و مسلمانان منتشر سازند .

آمار تحقیقی مسلمانان :

خوشبختانه یکسال قبل ، یکی از سازمانهای اسلامی پس از بررسی و تحقیق فراوان يك آمار تقریباً کامل از مسلمانان منتشر ساخت که نشان می دهد تعداد اجمالی مسلمانان جهان بالغ بر ۷۳۳/۰۰۰/۰۰۰ نفر است (۷) .

در این آمار معلومات جالبی منتشر شده است که می توان به فرازهای مهم آن اشاره کرد :

فرقه «احمدیه» در پاکستان

غیر مسلمان شناخته شد

پارلمان کشور مطرح گردید. در جریان این اختشاشات بیش از ۴۲ نفر از مسلمانان جان خود را از دست دادند و خانه‌ها و مغازه‌های بسیاری به آتش کشیده شد... نخست وزیر پاکستان اظهار داشت تصمیم پارلمان این کشور، تصمیم مردم پاکستان محسوب میشود. ضمناً پارلمان پاکستان قطعنامه‌ای را مورد تصویب قرارداد که بموجب آن ماده جدیدی بر قانون جزای پاکستان افزوده شد. در این ماده مجازات برای افرادی که علیه ختمی مرتبت بودن پیامبر اسلام تبلیغ کنند منظور شده است.

با این ترتیب فرقه احمدیه مانند دیگر اقلیت‌ها خواهد بود، این فرقه دو میلیون و ۳۰۰ هزار نفر عضو دارد.

نماز جمعه در مسجد قرطبه - اسپانیا

کوردوبا - روتر - مسلمانها و مسیحیان از خاور - میانه، آفریقای شمالی و اسپانیا و مقامات مذهبی

اسلام آباد - روتر - پارلمان پاکستان لایحه‌ای را به تصویب رسانید که بموجب آن فرقه احمدیه قانوناً غیر مسلمان شناخته شد. در این لایحه که با توافق آراء در پارلمان به تصویب رسید گفته شده است که هر فردی که به خاتمیت پیغمبر اسلام (ص) اعتقاد نداشته باشد، مسلمان محسوب نمیشود. این لایحه بدنبال تغییراتی که در قانون اساسی پاکستان داده شد، به تصویب رسید.

هنگامی که پارلمان پاکستان تصمیم خود را اعلام کرد، تدابیر امنیتی ویژه‌ای اتخاذ گردیده بود. این تصمیم ماحصل دو ماه مذاکره و تبادل نظر مستمری بود. در جریان این مذاکرات و تبادل نظرها دو تن از رهبران فرقه احمدیه نیز نظریات خود را ابراز کردند و از آنها سؤال شد که آیا آنها پیامبر اسلام را خاتم الانبیاء میدانند یا نه؟ بدنبال اختشاشات مذهبی که در اواخر ماه ژوئن گذشته در پاکستان صورت گرفت موضوع فرقه احمدیه در

ومسیحی در قرطبه صادر شد (در روزنامه کیهان شماره ۹۳۶۳ درج شده) مواد زیر نیز جلب توجه می کرد: باید از حقوق حقه ملی و انسانی ملت فلسطین پشتیبانی بعمل آید و سازمان آزادیبخش فلسطین تنها نماینده قانونی آن شناخته شود و شهریت المقدس همچنان يك شهر آزاد در دست اعراب در آید.

«تمام بناهای اسلامی، مسیحی جهان بعنوان اموال بشریت بحساب آید و در حفظ و نگهداری آنها نهایت کوشش بعمل آید»

مسجد در سوئد

استکهلم - خبرگزاری فرانسه - نخستین مسجد سوئد در ماه شعبان گذشته توسط علی ذاکراف، رئیس جامعه مسلمانان سوئد، در حومه پایتخت گشایش یافت.

مسلمانان منطقه استکهلم که بالغ بر ۲/۵۰۰ نفر هستند، همچنین از این پس يك مرکز فرهنگی اسلامی هم در این منطقه خواهند داشت. شماره کل مسلمانان مقیم سوئد بالغ بر ۱۲ هزار نفر است.

سهمینار درباره نظام اجتماعی

اسلام

دهمین کنفرانس انجمن دانشجویان مسلمان آمریکا و کانادا در ژوئن گذشته در دانشگاه کالیفرنیا تشکیل شد. بیش از ۲۰۰ شرکت کننده از سراسر کالیفرنیا، اورکان و واشنگتن در سمیناری در باره «نظام اجتماعی اسلام» به گفتگو نشستند.

کلیسا در اولین کنگره مشترک اسلامی - مسیحی شرکت کردند. این کنگره در «ال کازار» نزدیک «لامز کیتا» که زمانی بزرگترین مسجد در غرب بود و حالا تبدیل به گلیسا! شده است، تشکیل گردید. این مسجد قدیمی بنظر کارشناسان زیباترین اثر اسلامی در خاک اروپاست در زمان پیشرفت اسلام اروپا، قرطبه، یکی از غنی ترین شهرهای اروپا و مرکز دانش و هنر و فرهنگ اسلامی بود که دانش پژوهان از اطراف و اکناف جهان بدیدار آن میشتافتند.

در نماز روز جمعه در این مسجد - که بیش از ۱۲ قرن از عمر آن می گذرد - بیش از ۳۰۰ تن از مسلمانان شرکت داشتند.

سفیران: مصر، الجزایر، لبنان، عربستان سعودی، عراق، و اردن نیز در آن نماز شرکت داشتند.

این اولین اجتماع مسلمان - مسیحی با نمایندگان ۲۳ کشور جهان بود. و اقیانوس با استفاده مسلمانان از این مسجد موافقت کرده بود و از صدها تن از کاتولیک های محلی کمی خواستند وارد کلیسا شوند ممانعت بعمل آمد. این بنا از سال ۷۸۵ م تا ۱۲۳۶ م - بمدت ۴۵۱ سال - يك مسجد بود، بعد به کلیسا تبدیل شد. بنا به گفته منابع کلیسا این اولین و آخرین بار بود که این کلیسا برای برگزاری مراسم مذهبی اسلامی دوباره بروی آنها گشوده می شد.

تلخیص از نشریه مرکز اسلامی ایالتی - روم شماره ۱۲ - سال سوم

* * *

در قطعه نامه که از طرف اجتماع کنندگان مظلمان

یکی از سخنرانان این کنفرانس بحث خود را با معرفی «نخستین جامعه اسلامی در مدینه بتوان نمونه کامل يك حکومت اسلامی» آغاز کرد. او تاکید کرد که طبیعت نامتجانس مسلمانان خیلی زود در آن حکومت بصورت يك نیروی متحد درآمد. یکی دیگر از سخنرانان درباره نهضت اسلامی سخن گفت و آنرا به سه بخش: ایدئولوژیکی، سیاسی و نظامی تقسیم کرد و شرح داد که چگونه انتقال از مرحله اول به مرحله دوم پیدایش مرحله سوم را امکان پذیر ساخته است ...

نفر سوم راجع به سیستم اقتصادی حکومت اسلامی سخن گفت و سپس شرح داد که اقتصاد در حکومت‌های کشورهای مدرن غربی بوسیله چند گروه ممتاز کنترل میشود.

وی گفت که در حکومت اسلامی تمام مسلمانان بایستی روشهای حفظ اقتصاد آزاد را بیابند و آن صدای واقعی تمام مردم است که نقش خود را به عنوان يك عامل مؤثر بازی خواهد کرد.

سخنران دیگری چگونگی افرادی را که حکومت اسلامی را تشکیل می‌دهند مورد بررسی قرار داده و بر روی «صدق»، «توکل»، «ادب» و «مجاهده» تکیه کرد. او گرایشهای ملحدانه را در میان مسلمانان مورد انتقاد قرار داد و از اینکه آنان جهان دیگر را فراموش نموده و فقط در فکر ساختن بهشتی در این دنیا هستند مورد انتقاد قرار داد.

یکی دیگر از سخنرانان گفت که حاکمیت خدا و جانشینی خلق یا تبعیر اسلام «امت مسلمان» اساس حکومت‌های اسلامی را تشکیل میدهد. آزادی

مردم در انتخاب رهبران و مجلس شورا از اصول اساسی حکومت‌های اسلامی است.

وی گفت: نبرد مسلمانان در طول اعصار ادامه یافته و مسلمانان واقعی همیشه صدای خود را علیه ظلم بلند کرده و حتی برضد ستمگرانی که نامهای اسلامی داشته‌اند، به نبرد پرداخته‌اند ...

در این کنفرانس برنامه‌های جداگانه برای زنان، بچه‌ها و جوانان بموازات برنامه‌های اصلی ترتیب داده شده بود. بطور خلاصه میتوان گفت که این کنفرانس در يك مرحله خوب برگزار شد.

خلاصه گزارش واصله از آمریکا

کنفرانس اسلامی در انگلستان

یازدهمین کنفرانس سالانه فدراسیون انجمنهای اسلامی دانشجویان در انگلستان و ایرلند از تاریخ ۱۹ تا ۲۱ ماه ژوئیه در تالار دانشگاه سالفورد تشکیل شد. مباحث این کنفرانس در اطراف چهار موضوع اصلی و در زمینه تعلیم و تربیت، اقتصاد، حقوق و مسائل اجتماعی دور میزد.

در نطق افتتاحیه درباره «سیستم اجتماعی اسلام» سخن گفته شد، یکی از سخنرانان، خطاب به دوستان نفر از حضار جلسه گفت: «هیچ فرم دائمی و ثابت اجتماعی در اسلام وجود ندارد بلکه در اسلام اصول روشنی راجع به سیستم‌های اجتماعی وجود دارد که در هر زمان و مکان میتواند مورد استفاده قرار گیرد». وی سپس اهمیت «شورا» و «مصالح» را در اسلام یاد آورد.

سپس سخنران دیگری درباره سیستم قانونگذاری

وی گفت: هدف اقتصاد اسلامی ایجاد آنچه‌چنان جامعه انسانی است که در آن حداکثر تولید و توسعه امکان پذیر شود.

میتوان گفت که نتیجه این کنفرانس بسیار عالی بود و سخنرانان توانستند این مطلب را واضح کنند که اسلام کاملترین سیستم‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و اسلامی را دربردارد.

از نشریه اسلامی IMPACT چاپ انگلستان

اسلام و تفاوت آن با سیستم‌های حقوقی غرب و کشورهای کمونیست، مطالبی بیان داشت. وی گفت سیستم قانونگذاری در اسلام به گونه‌ایست که به يك نظم اجتماعی منجر میشود نظمی که بر اساس عدالت استوار بوده و منافع فرد و جامعه هر دو ملحوظ است در این کنفرانس سخنران دیگری در باره «سیستم اقتصادی اسلام» سخن گفت و ضمن مقایسه اقتصاد اسلامی با اقتصاد کاپیتالیستی و سوسیالیستی اظهار داشت که در اقتصاد اسلامی انسان هدف است نه ثروت.

بقیه از صفحه ۳۷

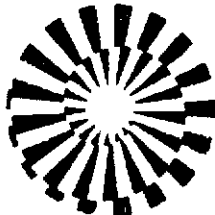
بررسی آخرین آمار:

بهره‌مند بود، گرایش پیروان ادیان دیگر به اسلام - اعم از مسیحی یا بت پرست - در سراسر جهان به مراتب بیشتر و فزون‌تر می‌شد.

از خداوند می‌خواهیم که به مسلمانان همتی دهد تا بتوانند به وظایف خود در دنیای معاصر آنطور که باید عمل، کنند.

و نسبت گرایش پیروان ادیان دیگر به اسلام با توجه به گرایش‌ها به ادیان دیگر همیشه در مرتبه نخستین قرار دارد.

بدون شك اگر «اسلام» نیز از سازمان تبلیغی صحیح و وسیعی، بمفهوم واقعی کلمه و همان‌طور که گروه‌های مسیحی کاتولیک و پروتستان و حتی ارتدوکس دارند



چه کسی مسؤول تربیت کودکان است؟

تعلیم و تربیت، مبنای يك «حق» و يك «تکلیف»

«کودک «حق» دارد از تعلیم و تربیت بهره‌مند گردد ...»
(اصل هفتم اعلامیه حقوق کودک)

بدیهی است که اگر مقررات اجتماعی، از وجدان مردم و مقررات دینی الهام بگیرد و مسؤولیت اخلاقی و دینی جامعه را پشتوانه خود قرار دهد، در کار خود توفیق بیشتری پیدامی‌کند، اما هر چه از آن دو، فاصله گیرد، قدرت آن کمتر و کمتری شود. تا آنجا که صرفاً جنبه تشریفاتی و «فورمالیته!» بخود می‌گیرد. در انسان «حق» و «تکلیف» بر اثر تکاملی که ویژه اوست، از مرحله غریزی گذشته، و جنبه عقلی پیدا کرده است. انسان بفرمان خرد خویش، تکلیف خود را نسبت بدیگران انجام میدهد.

تفاوت عقل و غریزه در این است که: غریزه ولا در مقیاس وسیع قابل تربیت و تکامل نیست، و ثانیاً کارهای خود را از روی اختیار نمیدهد و ثالثاً هدف و نتیجه کارش آگاهی ندارد. ولی عقل

همیشه وقتی سخن از «حق» بمیان می‌آید، باید متوجه بود که در برابر آن «تکلیفی» هم وجود دارد. یعنی یکی «حق» پیدا می‌کند و دیگری «تکلیف» دارد که این حق را ادا کند.

در يك قرض، شخصی که بعنوان طلبکار شناخته می‌شود، حق دارد که در موعد مقرر، طلب خود را از بدهکار وصول کند. در مقابل، بدهکار هم تکلیف دارد که بدهی خود ارد در صورت تمکن و علم «عسرت» در موعد مقرر بپردازد.

مسؤولیت هم نتیجه تکلیف است. کسانی که بر حسب قوانین مذهبی یا عرفی، مکلف شناخته می‌شوند، دارای مسؤولیت هستند.

مسؤولیت یاد برابر خداست یاد برابر وجدان یاد برابر جامعه و قانون. ممکن است در آن واحد، دو یا هر سه مسؤولیت با هم جمع شوند.

را بشکند و از طرف دیگر چه پدر و مادر بخواهند و چه نخواهند، برای طفل، حق تعلیم و تربیت قائل شده است.

در برابر این حق مسلم، چه کسی مکلف است؟ با توجه به پیچیدگی زندگی اجتماعی و دشواری تحمل همه وظائف از طرف والدین، باید گفت: يك تكليف مشترك بر عهده پدر و مادر و جامعه گذاشته شده که مشترکاً باید انجام دهند. جامعه، مدرسه و معلم و احياناً وسائل ایاب و ذهاب و کتابخانه و کتاب و وسائل دیگر فراهم می کند و پدر و مادر باید با نظارت مستقیم خود، طفل را در مسیری هدایت کنند که بتواند حداکثر استفاده را از وسائل فراهم شده برگیرد.

ولی می توان گفت: باز هم مکلف اصلی، همان پدر و مادر، بلکه پدر است و جامعه می تواند کمک هایی پدر و مادر بدهد که در انجام وظائف خود، توفیق کامل پیدا کنند.

این کمکها را همه جا نمیشود بدیده خوشبینی نگریست. زیرا غالب این کمکها، از سیاستهای خاصی سرچشمه میگیرد که مسلماً مسیر تعلیم و تربیت را چنان عوض می کند که بجای اینکه منافع طفل را تأمین کند مصالح و منافع خاصی را و جهت نظر قرار میدهد و بس!

بعنوان مثال: دستگاه تعلیم و تربیت يك کشور کمونیستی، ناچار از سیاست زمانداران آن مملکت پیروی می کند و بدون اینکه هیچگونه توجهی بمصالح خود کودک داشته باشد، سعی می کند کودک را چنان پروراند که کمونیسم را بهترین مرام و مسلک بشناسد

هم قابل تربیت و تکامل است و هم فعلش اختیاری است و هم به نتیجه کار خود عالم و آگاه است.

بهمین جهت است که انسان در برابر اجرای تکالیف خود، پاداش میگیرد و بواسطه تخلف، گرفتار کیفر می شود.

کیفر هم گاهی الهی و دینی است و گاهی وجدانی و اخلاقی است، و گاهی قانونی و اجتماعی. اما پاداش بیشتر جنبه وجدانی و دینی دارد و کمتر جنبه اجتماعی. متأسفانه در مقررات اجتماعی در بسیاری از موارد برای اجرای تکالیف، پاداشی در نظر گرفته نشده است.

* * *

بشرا امروز، تعلیم و تربیت را یکی از حقوق مسلم کودک به حساب آورده است. بشر قدیم نیز تا حدودی به این موضوع توجه داشته است. ولی خیلی بعید است که بعنوان يك حق مسلم برای کودک، قبول کرده، خود را در ازای آن مکلف و مسؤول شناخته باشد.

شاید انسانهای نیمه وحشی مخصوصاً در دوره پدر - سالاری طفل را بعنوان کالائی در اختیار پدر قرار می دادند و اراده او در مورد طفل هم قانون بود و هم تعیین کننده سرنوشت و مقدرات او چه بسا دایره قدرت پدران را هم جامعه ها و حکومتها محدود میکردند و طفل را در چهار چوبه زندگی طبقاتی و تمایزات موهوم و ظالمانه، محصور و محبوس میکردند. پدر هم که خود در همین حصار موروثی، زندانی بود، نمیتوانست چنانکه باید و شاید درباره فرزند تصمیمی بگیرد. اما دنیای امروز از يك طرف توانسته است حصارها

آنها از سقوط در منجلاب فساد و بدبختی را از وظایف و تکالیف مسلم پدرها و مادرها شناخته، همانطوری که آنها را در تأمین سعادت و کمال شخص خود، موظف می‌شناسد، در تأمین سعادت و کمال فرزند نیز موظف می‌داند.

گواه این مدعا، این آیه از قرآن مجید است :

«یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم نارا» (۱)

«ای مردم مؤمن، خود و افراد خانواده تان را از آتش فساد و بدبختی حفظ کنید»

اسلام اصل تعلیم و تربیت را بمنوان يك حق برای طفل و يك تکلیف برای پدر و مادر، سفارش می‌کند. این هم ناممقول است که قطعاً یکی «حق» داشته باشد و دیگری «تکلیف»! چنین رابطه‌ای غیر-عادلانه است که بهیچوجه قابل تحمل نیست.

کارگری که برای کارفرما کار میکند، يك حق دارد و يك تکلیف. او حق دارد که از کارفرما، مزد بگیرد و تکلیف دارد که برای او در ازای دستمزدی که می‌گیرد، کار کند. کارفرما نیز يك حق دارد و يك تکلیف. حق دارد که کارگر برایش کار کند و تکلیف دارد که مزد کارگر را، عادلانه بپردازد.

پس شخص ذبح حق يك تکلیف دارد و شخص مکلف هم حقی. این فورمول کاملاً عادلانه است. در مورد طفل و پدر و مادر، هم باید همین فورمول کاملاً عادلانه، رعایت شود. کودک همانطوری که حق دارد، تکلیف هم دارد. پدر نیز هم تکلیف دارد و هم حق.

و از دل و جان طرفدار پرو پاقرص و متعصب آن باشد. در حالی که انسان آزاد، باید در تعلیم و تربیتش بطور کامل رعایت اصل دموکراسی شود و چنان بار آید که با فکر آزاد بتواند مرامها و مسلکها را سبک و سنگین کند و به تربیتش را برگزیند.

متأسفانه تعلیم و تربیت در جهان امروز، ضمن اینکه از کمکهای دولتها و حکومتها، برخوردار است کامل دارد، از همین رهگذر، احیاناً ضررهای سنگینی نیز متحمل می‌شود.

پس بازم محور اصلی تکلیف، خود پدرها و مادرها هستند. آنها باید بتوانند این فکر و درایت آزاد و آن استقلال را بارهنمائیهای خاص خویش، بفرزندان بدهند. یعنی چنانکه کم و بیش معمول شده است، تعلیم را بمهده دستگاههای اجتماعی بگذارند و تربیت را که وظیفه‌ای است بسیار مقدس تر و اساسی تر، خود برعهده گیرند.

در عین حال باید توجه داشت که دستگاههای اجتماعی، هر اندازه هم به قطب تعلیم، گرایش یافته باشند، بازم اثر تربیتی دارند و تضادهائی که از این حیث، ممکن است پیش آید برای طفل، غیر قابل تحمل است. لکن پدران و مادران روشن بین، می‌توانند با عقل و درایت، این تضادها را بر طرف کنند.

* * *

با اینکه در دنیای قدیم، تعلیم و تربیت از طرف مردم جهان، مبنای يك حق مسلم برای طفل نبود و در نتیجه وظیفه و تکلیفی هم در مقابل آن احساس نمی‌شد، می-بینیم آئین مقدس اسلام تأمین سعادت فرزندانش و حفظ

تربیت نماید و قرآن را به او تعلیم دهد .
 در این گفتار جاودانی اولاً مسؤول را پدر معرفی
 می کند. در این صورت او، به اعتماد اینکه دستگاه
 های تعلیم و تربیت، وظیفه ها را انجام می دهند،
 نمیتواند خود را کنار بکشد، زیرا تکلیفی است که
 بعهده اوست و خود باید در انجام تکلیف، کوشش
 کند و نظارت داشته باشد .

و ثانیاً در برابر تکلیف پدر، حقی نیز برای او
 قائل می شود پس اگر پدر تکلیفی دارد، حقی هم
 دارد و اگر طفل حقی دارد، تکلیفی هم دارد. این
قورمول کاملاً عادلانه است .

اینجاست که یکی دیگر از جلوه های اعجاز آمیز
 اسلام، در لابلای کلمات علی (ع) تجلی می کند.
 او می فرماید: ان للولد علی الوالد حقاً وان للوالد
 علی الولد حقاً . فحق الوالد علی الولدان بطبیعه
 فی کل شیء الا فی معصیه الله سبحانه وحق الولد علی
 الوالدان یحسن اسمه و یحسن اذنه و یعلمه القرآن (۱)
 «فرزند را بر پدر و پدر را بر فرزند حقی است .
 حق پدر بر فرزند این است که جز در معصیت خدا،
 در همه چیز او را اطاعت کند و حق فرزند بر پدر این
 است که نامش را نیکو انتخاب کند و او را به خوبی

بیکاری:

بیکاری و بطالت همچون زنگ آهن بیش از آنچه که کار تدریجاً از قوا می کاهد
 موجب خرابی و انهدام اساس وجود می شود ، کلیدی که همواره بکار است سفید
 و براق است .

پرتال جامع علوم انسانی

روحیات و افکار ما جهان ما را می سازد

«هر که باز آید ز در پندارم اوست»

(سعدی)

ما اگر در بهشت برین هم زندگی کنیم هرگز لذت
زندگی را نخواهیم چشید مگر اینکه دید ذهنی و
روحیات و افکار نیک و ارزنده ای داشته باشیم

خوب باشند همه چیز را خوب درمی یابند و اگر تیره
و تار باشند همه را ناروا و نارسا خواهند دید .
و به گفته آن شاعر «هر کسی از ظن خودش
یازهن» هر کسی همان را می بیند که خود او آنرا
داراست. و اینکه میگویند **الخائف خائف کاملاً**
اساسی و صحیح است، زیرا خیانت کار با آشنگی
و اضطرابی که دارد، دائماً ترس و وحشت بصری-
برد، چنین فردی اگر با افرادی که دوست او هستند
ارتباط داشته باشد باز از آنها هم می ترسد، زیرا
عامل تشویش و نگرانی چهره دوستان او را همانند
دشمنان ترسیم میکند .

روی این اصل اگر انسانها بخواهند، جزئیکی
و زیبایی چیز دیگری را احساس نکنند، باید بکوشند
در درجه اول عوامل ذهنی و فکری خویش را اصلاح
نمایند، و الا با درون آشفته و پر التهاب همه مسائل و
حوادث خارجی را با چهره زشت ترسیم خواهند کرد.

عوامل سازنده:

هنگامی که آدمی سلامت جسم را از دست داده،
بیمار میگردد، بر اثر اختلالات مزاجی ذائقه او تغییر
می کند، در چنین شرائطی بهترین غذاها در کام او
تلخ مینماید، در صورتی که همین شخص اگر از
سلامت بدن برخوردار شود یقیناً نان و پنیری ساده
برایش لذت بخش خواهد بود .
همانطور که آشنگی جسمی در شناسایی غذا
مؤثر بوده و غذای مطبوعی را تلخ و بد مزه در ذائقه
انسان منعکس می کند تشویش و ناراحتی های روانی
نیز در شناخت مسائل و موضوعات خارجی تأثیر
فراوانی دارند .

روی این اصل اساسی، انسانها بطور مجرد نمی
توانند همان خارج و محیط اطراف خود را لمس
کنند، بلکه بر اساس عوامل ذهنی و فکری با دید
خاصی بجهان خارج می نگرند، اگر این عوامل درونی

مثل معروف «شتر در خواب بیند پنبه دانه» اشکال مبهم را که اصولاً هیچ ارتباطی به نان نداشت، بشکل نان فکر کرد!

بعقبه من اگر با باطاهر عریان در زمان و دوره روانشناسی زندگی میکرد. بجای اینکه بگوید «هر آنچه دیده بیند دل کند یاد» هر آنچه شعری می سرود که مضمونش این باشد: «هر آنچه دل کند یاد دیده بیند آنرا!» شاید برخی از رؤیاهائی که افراد می بینند، معلول آمادگی های ذهنی است، شاگردی که خود را برای امتحان آماده می کند شب جلسه امتحان، و موفقیت و یا شکست خود را در خواب می بیند.

* * *

نتیجه ای که از ذکر این مبحث عاید میگردد این است که در **درجه اول** روحیات بارز افراد، بوسیله رفتار و کردار خارجی آنان برای دیگران آشکار میگردد، و هر قدر افراد بخواهند آنها را پوشیده دارند فایده ندارد، زیرا رفتار و کردار هر کس معرف و نماینده روحیات اوست.

ثانیاً انسان ها بوسیله آمادگی های ذهنی خود محیط خارج و مسائل آنرا بر زمین مینمایند و همین افکار روحی و زمینه های قیل است که موضوعات خارجی را فرم و شکل میدهد، بنابراین اگر آمادگی های ذهنی نیک و پسندیده باشد محیط خارج را نیز بصورتی بدیع و زیبا خواهد دید، و اگر روحیات از کسی، آلوده و تیره باشد ناچار لذت و نشاطی از زندگی نخواهد برد، چون افکار تیره او زندگی را برایش تیره و تار خواهد کرد.

بنابراین اگر در بهشت برین بایهشتیان هم سرو کار داشته باشیم، هرگز لذت زندگی و حیات را نخواهیم چشید مگر این که دید ذهنی و افکارمان نیک و ارزنده باشد.

محیط خارجی با چهره واقعی خود، هرگز در برابر انسان ها ظاهر نمی گردد، بلکه این عوامل ذهنی انسانهاست که با صورت های گوناگون آنها را ترسیم مینمایند.

* * *

قسمت در شاخ:

دانشمند سوئسی بنام «ریشاخ» (۱) عقیده داشت که حواس افراد بدون تأثیر عوامل ذهنی قادر نیستند موضوعات خارجی را لمس کنند، او معتقد بود که هر فردی با آمادگی های ذهنی مسائل محیطی را احساس مینماید، برای این کار کارت های سفیدی را ترتیب داده سپس در کارت های سفید بوسیله مرکب اشکال مبهمی بوجود آورد، بعداً از شخص مورد آزمایش خواست که اشکال مبهم کارت ها را تشریح نماید، افراد مورد امتحان بر اساس آمادگی های ذهنی، اشکال کارت ها را بهمان معنای ذهنی خود تشریح و تعیین مینمودند.

این دانشمند فردی را مدتی گرسنه نگه داشت پس از آن از آن شخص گرسنه خواست که اشکال کارت ها را تعیین نماید او در جواب گفت: «بنظر من میرسد که نانی را قطعه قطعه کرده اند»!

بدیهی است او چون گرسنه بوده و بخاطر آمادگی ذهنی جز به نان و غذا توجهی نداشت، لذا بمصادف

به یاد تو ای مهدی عزیز!

از: جواد محدثی

ای دادگریبا!...



دنیای پر تلاطم و پر اضطراب ما

ای پادشاه عدل!

در انتظار تو ست

ای مهدی عزیز که جانفادای تو

ای رهبر نجات ستمدیدگان بیا!

* * *

طوقی شده تمدن ما بر گلوی ما

با علم و دانشی که به آن فخر می کنیم

در قتلگاه مستی این قدرت

«احساس» و «مهر» و «عاطفه» را سر بریده ایم

گردنکشان جامعه ما تیغ در کف اند

مست اند و وحشی اند

این توده ها همه

قربانی قساوت تاریخ گشته اند...

این جنگهای خانه برانداز شعله ور

مکتب اسلام



تاب و توان زجان و تن ما ربوده است !

* * *

ای مایه امید

ای مهدی عزیز!

در چشم ما فروغ نگاهی نمانده است

ما رنج دیده ایم

محنت کشیده ایم

حرمان چشیده ایم

* * *

ای رهبر نجات !

ای منجی بشر!

ما هر دری زدیم و به هر سو روان شدیم

اما بسی دریغ

داروی درد خویش نیافتیم

اینک به آستانه تو رونهاده ایم

این صبر ما و طاقت ما، انتظار ما

این انتظار تلخ

این انتظار سخت تر از مرگ جانگداز

این عشق ما، علاقه ما، سوز و آه ما

ما تشنه حکومت عدل تو گشته ایم

این تشنگی شرر زده بر عقل و جان ما

ای مهدی عزیز

ای منجی بشر

ای رهبر نجات ستمدیدگان ... بیا

ای دادگر ... بیا ! ..



سه ضایعه بزرک؟

۱ - به فاصله چندروز، جهان علم و شیعه سه شخصیت بزرک و برجسته خود را ازدست داد، و حوزه های علمی شیعه با سه مصیبت وسوک عظیم روبرو گردید . هنوز ماه مبارک رمضان سال جاری، به پایان نرسیده بود، که گزارش رسید که حضرت آیت الله آقای حاج میرزا باقر زنجانی که یکی از مجتهدین عالم مقام حوزه علمیه نجف، و از استادان برجسته و با سابقه آن دانشگاه بزرک شیعه بود، دعوت حق را الیک گفته و دیده از جهان فرو بست .

مرحوم آیت الله زنجانی در سال ۱۳۱۲ قمری در شهرستان زنجان دیده به جهان گشوده و در سال ۱۳۳۸ برای تکمیل معلومات رهسپار نجف اشرف گردید ، و از محضر مرحوم آیت الله، آقای نائینی و دیگر اساتید بزرک آن حوزه، استفاده هائی فراوان نمود و بیانات درسی ایشان را به صورت «تقریرات» نوشت و در این خلال افکار فقهی و اصولی خود را به صورت تعلیق بر کتابهای درسی مانند رسائل و کفایه و مکاسب تنظیم نمود و آثار گرانبھائی از خود بیادگار گذارد، گذشته از این، در مدت متجاوز از چهل سال از طریق تدریس و تربیت فضلا، خدمات ارزنده ای به جامعه روحانیت انجام داد (۱) قدس سره الشریف!

۲ - هنوز آثار اسف انگیز این سوک از خاطره ها محو نشده بود که جامعه مسلمانان و روحیانیت شیعه با درگذشت حضرت آیت الله آقای حاج شیخ آقا بزرک اشرفی شاهرودی که یکی از مجتهدین عالم مقام و از شخصیت های برجسته علمی مقیم شاهرود بود، روبرو گردید.

مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ آقا بزرک در سال ۱۳۰۷ قمری دیده به جهان گشود، و پس از تحصیل مقدمات در سال ۱۳۲۸ برای کسب کمال بیشتر رهسپار مشهد مقدس گردید و از محضر اساتید و شخصیت های برجسته ای مانند آیه الله حاج آقا حسین قمی و حاج میرزا محمد آقا زاده بهره برد .

(۱) برای آگاهی از شرح حال مرحوم آیت الله زنجانی به منابع زیر مراجعه فرمائید
الذریعه ج ۴ ص ۳۷۱، نباء البشر ج ۳ ص ۲۳۶ معجم رجال الفکر ص ۲۱۳

برای تکمیل مراتب علمی در سال ۱۳۴۰ رهسپار نجف گردید و از محضر مراجع بزرگ آن وقت مانند: مرحوم آیت الله نائینی و آیت الله هراقی و آیت الله اصفهانی کسب کمال نمود و بهره برد.

و بر اثر اشتغال فراوان و علافه شدیدی که به امور علمی و نوشتن داشت، در سال ۱۳۵۳ کسالت شدیدی پیدا کرد و به صلاحدید اساتید خویش تصمیم گرفت که به ایران مسافرت کند و چند ماهی در مشهد سپس در زادگاه خود اقامت گزید و به تربیت طلاب و فضلاء و تنقیح نوشته‌های خود پرداخت.

مرحوم آیت الله شامرودی آثار علمی فراوان دارد و تنها از آن میان کتاب «الرواع الفقهية» در دو جلد که تقریر درس مرحوم آیت الله اصفهانی چاپ شده است.

۳- آية الله حلی :

در اوایل ماه شوال سال جاری، حوزه علمیه نجف اشرف، یکی دیگر از اساتید بزرگ و شخصیت‌های علمی خود را، از دست داد و مرحوم آیت الله شیخ حسین حلی بود که از اساتید با سابقه دانشگاه بزرگ شیعه (نجف اشرف) محسوب می‌گردید.

مرحوم آیت الله حلی فرزند مرحوم شیخ علی که زاهد زمان و پارسای عصر خویش بود، در سال ۱۳۰۰ قمری در نجف اشرف دیده به جهان گشود، و مقدمات و سطوح عالی را در مختصر اساتید وقت فراگرفت سپس برای تکمیل مراتب علمی سالیان درازی از محضر آیات بزرگ نجف مانند: آیت الله نائینی و آیت الله هراقی و آیت الله اصفهانی بهره‌ها برد و اکثر استفاده‌های وی از محضر مرحوم آیت الله نائینی بوده و یکی از شاگردان مبرز و نامی اویه شمار میرفت.

مرحوم آیت الله حلی مردی زاهد و متواضع و در طول تاریخ عمر خود، خدمات ارزنده‌ای به جامعه علمی شیعه نموده و فضلاء و اساتید جلیل‌قدری را تربیت کرده و قسمتی از افکار علمی وی از طرف شاگردان وی به چاپ رسیده است (۱)

مرحوم آیت الله حلی آثار علمی فراوانی از خود بیادگار گذارد که امید است از طرف علاقمندان به زیور طبع آراسته گردد.

مکتب اسلام: این سه ضایعه بزرگ رابه پیشگاه حضرت ولی عصر (عج) و جامعه شیعه و عالم روحانیت و بازماندگان آنان تسلیت می‌گوید.

(۱) مانند «البحوث الفقهية» در مسائل مستحدثه و «دلیل المروءة» در دو جلد.

که وزن هر مثقال را ۱۸ نخود تعیین می‌کند .
 از همه آموزنده تر مراسم زفاف و عروسی دختر
 پیامبر است، که بایک جهان بی‌آلایشی برگزار گردید .
 یکماه از عقد پیمان زناشویی می‌گذشت که زنان
 رسول خدا به علی گفتند : چرا همسرت را به خانه
 خویش نمی‌بری ؟ علی در پاسخ آنان آمادگی خود
 را اعلام کرد «ام ایمن» شرفیاب محضر رسول خدا
 شد، و گفت: اگر «خدیجه» در قید حیات بود
 دیدگان او از مراسم زفاف دختر خود فاطمه روشن
 بود، وقتی پیامبر نام خدیجه را شنید دیدگان پیامبر
 از اشک پر گردید و گفت : او مرا مومی که همه مردم
 تکذیب کردند تصدیق نمود، و مرا در پیشرفت دین
 خدا یاری کرد و با اموال خود به آئین خدا کمک
 نمود . (۱)

ام ایمن افزود: دیدگان همه را با اعزام فاطمه
 به خانه بخت، روشن بگردانید، رسول خدا دستور
 داد که یکی از حجره‌ها را برای زفاف زهرا آماده
 کنند، و زهرا را برای شب زفاف آرایش دهند (۲)
 لحظه اعزام عروس به خانه علی فرا رسید پیامبر زهرا
 را بحضور خواست زهرا در حالی که عرق شرم از
 چهره او میریخت، حضور پیامبر رسید و از کثرت شرم
 پای او لغزید در این موقع پیامبر در حق او دعا کرد و

فرمود .
أَقَالِكُ اللَّهُ الْعَثْرَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ :
 « خداتورا از لغزش در دو جهان حفظ کنده سپس
 چهره زهرا را باز کرد و دست او را در دست علی
 نهاد و به علی تبریک گفت و فرمود : **بَارَكَ لَكَ فِي**
ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ يَا عَلِيُّ نِعْمَتِ الزَّوْجَةِ فَاطِمَةَ
 سپس رو کرده فاطمه و گفت: «نعم البعل علی» سپس
 به هر دو دستور داد که راه خانه پیش گیرند و به
 شخصیت برجسته‌ای مانند سلمان دستور داد که مهار
 شتر زهرا را بگیرد و بکشد و از این طریق جلالت دختر
 خود را اعلام دارد . شیرین تر از همه لحظه‌ای بود
 که داماد و عروس به حجله رفتند و هر دو از کثرت شرم
 به زمین سی‌نگریستند، پیامبر وارد حجله شد ظرف
 آبی بدست گرفت به عنوان تغال بر سر و بر اطراف
 بدن دختر پاشید، زیرا آب مایه حیات است و در
 حق هر دو دعا فرمود :

اَللّٰهُمَّ هَذِهِ ابْنَتِيْ وَ اَحَبُّ الْخَلْقِ اِلَى اللّٰهِمَّ وَ هَذَا
اَنْحِيْ وَ اَحَبُّ الْخَلْقِ اِلَى اللّٰهِمَّ اجْمَلُهُ وِلْيَا و ... (۳)
 پروردگارا ! این دختر من و محبوب‌ترین مردم
 نزد من است . پروردگارا ! علی نیز گرامی
 ترین مسلمانان نزد من است . خداوندا رشته محبت
 آن‌دورا استوار تر فرما ...

(۱) بحار ج ۲۳ ص ۱۳۰

(۲) بحار ج ۲۳ ص ۵۹

(۳) بحار ج ۲۳ ص ۹۶